

وزارت معارف

تعلیمات مدنی

صنف ۱۱





تعلیمات مدنی - صنف یازدهم

۱۳۹۸ هـ. ش.



سرود ملی

دا وطن افغانستـــان دی
کور د سولې کور د تورې
دا وطن د ټولــو کور دی
د پښتــون او هــزاره وو
ورســره عرب، گوجر دي
براهوي دي، قزلباش دي
دا هېــواد به تل ځلیږي
په ســینه کې د آســیا به
نوم د حق مــو دی رهبــر

دا عــزت د هــر افغان دی
هر بچی یې قهرمـــان دی
د بــلوڅـــو د ازبکـــو
د تــرکمنـــو د تـاجکـــو
پامیریـان، نـورسـتانیـان
هــم ایمـاق، هم پشه یان
لکه لمـر پر شـنه آسـمان
لکــه زړه وي جـاویـــدان
وایــو الله اکبر وایو الله اکبر

بسم الله الرحمن الرحیم



تعلیمات مدنی

صنف یازدهم

۱۳۹۸

ه.ش

مشخصات کتاب

مضمون: تعلیمات مدنی

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی دیپارتمنت تعلیمات مدنی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: یازدهم

زبان متن: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامهٔ وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۸ هجری شمسی

مکان چاپ: کابل

چاپخانه:

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربک

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی‌پایان بر رسول خاتم- حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه‌گان هویداست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش‌گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهه سرنوشت‌ساز، رهبری و خانوادهٔ بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین‌رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکرشده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به‌عنوان تربیت کننده‌گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس راآغاز کنند، که در آیندهٔ نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفادهٔ بهتر کنند و خوشه چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن‌ها در این راه مقدس و انسان‌ساز موفقیت استدعا دارم.

با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

فهرست

تعلیمات مدنی

فصل اول

اجتماعی شدن چیست؟

در این فصل درس‌های زیر را می‌آموزیم:

- اجتماعی‌شدن چیست؟
- عوامل اجتماعی‌شدن (۱)
- عوامل اجتماعی‌شدن (۲)
- دوره‌های زنده‌گی.

اهداف فصل

شاگردان عزیزشما، بعد از خواندن این فصل:

• معنا و اهمیت اجتماعی‌شدن را می‌دانید؛

• در برقرارنمودن روابط اجتماعی، مهارت بیش‌تری پیدا می‌نمایید؛

• به پذیرش ارزش‌ها و قواعد اجتماعی علاقه‌مند می‌شوید؛

• عوامل اجتماعی‌شدن و چگونه گی تأثیرگذاری آن‌ها را بر افراد می‌دانید

• با مراحل زنده‌گی انسان و قواعد مهم آن‌ها آشنا می‌شوید.

اجتماعی‌شدن چیست؟

مباحثه کنید

می‌دانید که مردم در جوامع مختلف آداب، رسوم و رفتارهای متفاوتی دارند. با توجه به این مطلب، به سؤالات زیر جواب دهید:

۱- آیا شما مردمی را می‌شناسید که در سلام دادن و احوال‌پرسی از کلمات مختلف استفاده کنند؟



۲- به نظر شما چرا آن‌ها مثل شما رفتار نمی‌کنند؟

۳- آیا می‌دانید چرا تفاوت‌ها در بین جوامع مختلف وجود دا رد؟

اگر از دهکده یا شهر خود به شهرها یا کشورهای دیگری مسافرت کرده باشید، حتماً مشاهده کرده‌اید که مردم در شهرها و کشورهای مختلف:

- به زبان‌های مختلف سخن می‌گویند.
- لباس‌های متفاوتی می‌پوشند.
- غذاهای مختلفی می‌خورند.
- رفتارهای مختلفی را در یک نوع موقعیت‌ها از خود نشان می‌دهند.

با دیدن این تنوع و تفاوت‌ها، این سؤال در ذهن انسان پیدا می‌شود که چرا مردم در جوامع مختلف به شیوه‌های متفاوتی رفتار می‌کنند؟ در جواب به این سؤال باید گفت که هر جامعه‌یی فرهنگ خاص خود را دارد. در فرهنگ دستورالعمل‌های قبول شده ای برای رفتار افراد وجود دارد که اعضای جامعه مطابق به آن‌ها عمل می‌کنند. از این رو، در کشورهای مختلف آداب، رسوم و

رفتارهای متنوعی دیده می‌شود.

هر محیط اجتماعی، مانند: خانواده، مکتب، کوچه، اداره و... این‌ها دارای دستورالعمل‌های خاصی‌اند. به طور مثال: دستورالعمل‌های صنف را در نظر بگیرید:

۱) ساکت باشیم.

۲) در جای خود بنشینیم.

۳) به سخنان معلم گوش بدهیم.

٤) برای همصنفان خود مزاحمت نکنیم.

٥) نکته‌های مهم سخنان معلم را یادداشت نماییم.

این‌ها مهم‌ترین نمونه‌های رفتار شاگردان است که باید در صنف آن‌ها را رعایت نموده و بر اساس آن‌ها عمل نمایند. از معلم نیز توقع می‌رود که از نمونهٔ رفتار خاصی پیروی کند تا بتواند به خوبی نقش خود را به عنوان معلم انجام دهد. به طور مثال، از معلم انتظار می‌رود که:

۱) لباس منظم و پاکیزه بپوشد.

۲) با شاگردان مهربان باشد.

۳) برای ارایه درس آماده‌گی بگیرد.

٤) درس را به خوبی تشریح کند.

٥) از بهترین روش‌هابرای تدریس استفاده نماید.

٦) در برخورد با شاگردان، بین آن‌ها فرق نگذارد.

۷) نظم صنف را برقرار و حفظ نماید.

سیر اجتماعی شدن در مراحل نخستین زنده‌گی:

زمانی که خیلی کوچک استیم با بسیاری از قواعد اجتماعی آشنایی نداریم. به تدریج که بزرگ می‌شویم با آن‌ها زیادتر آشنا شده و در جاهای مختلف طوری رفتار می‌کنیم که دیگران از ما توقع دارند. این نمونه‌های رفتار را

جامعه‌شناسان **قواعد** اجتماعی می‌نامند. ما از دوران کودکی به طور ناخودآگاه، شروع به یادگیری قواعد ورفتارهای اجتماعی می‌کنیم و از این طریق اجتماعی می‌شویم. **اجتماعی‌شدن** یکباره و در مدت کوتاه انجام نمی‌شود بلکه از ابتدای تولد شروع می‌شود. در سال‌های اول زنده‌گی حجم زیادی از مطالب را می‌آموزیم: نحوه لباس پوشیدن، غذاخوردن، نظافت خود و محیط زنده‌گی، سخن گفتن: آداب معاشرت و مانند اینها. اما به تدریج زمان بزرگ می‌شویم، شرایط ما تغییر می‌کند و ما باید یاد بگیریم که در شرایط سنی و شغلی جدید چگونه رفتار نماییم. مثلاً: وقتی به سن نوجوانی می‌رسیم خانواده و دیگران از ما توقع دارند تا که بعضی از کارها را انجام دهیم که پیش از آن انجام نمی‌دادیم و یا بعضی از کارها را که قبلاً انجام می‌دادیم، دیگر انجام ندهیم. یا وقتی که تازه فارغ‌التحصیل می‌شویم و در اداره یا کارخانه‌یی مشغول کار می‌شویم، باید یاد بگیریم که در محیط جدید با دیگران چگونه رفتار نماییم.

دانستنی‌های زنده‌گی

ازمهمترین موارد که در طی جریان اجتماعی‌شدن یاد می‌گیریم، عبارت انداز:

ارزش‌ها وقواعد اجتماعی: اعضای جامعه از طریق اجتماعی‌شدن؛ با ارزش‌ها و قوا عد جامعه خویش آشنا می‌شوند. آن‌ها می‌آموزند که ارزش‌ها و قواعد اجتماعی در جوامع مختلف کم‌وبیش تفاوت دارند و اعضای جامعه باید یاد بگیرند که در جامعهٔ خود چه چیزهایی را خوب کدام مفاهیم اجتماعی را بد تلقی کنند؛ یا چه کارهایی را انجام دهند و کدام کارها را نباید انجام دهند.

مهارت‌های کاری: زنده‌گی اجتماعی مستلزم مهارت‌های خاصی است. امّا این مهارت‌ها، که بعضی ساده و بعضی دیگر پیچیده است، باید یاد گرفته شود ما بدون یادگرفتن قادر به انجام‌دادن آن‌ها نخواهیم بود. و آن‌ها را در جریان زنده‌گی یاد می‌گیریم.

چگونه‌گی ارتباط با دیگران: ارتباط برقرار کردن با دیگران یک ضرورت زنده‌گی اجتماعی ما است. موفقیت در برقراری ارتباط با دیگران باعث موفقیت

در زنده‌گی اجتماعی ما می‌گردد. به طور مثال: زنده‌گی اجتماعی به ما می‌آموزد که با دوستان خود رفتار عاطفی داشته باشیم ولی با بیگانه‌گان رفتار عادی و غیرعاطفی. وقتی کسی در برابر ما رفتار و عملکرد نیک دارد باید از او تشکر و سپاس‌گذاری کنیم ولی اگر حق ما را تلف می‌کند، باید دلیل این عملکرد او را جست‌وجوکنیم.



مروری بر درس

- ....
- ....
- ....
- –..
- ....



سوالات درس

۱–چرا مردم، در کشورهای مختلف رسم و رواج‌های گوناگون دارند؟

۲– مردم در جوامع مختلف در کدام مسایل از همدیگر تفاوت دارند؟

۲– نمو نه‌های رفتار معلم را در صنف بیان کنید.

۳–ما (قواعد) جامعه را چگونه می‌آموزیم؟

٤– ما از طریق اجتماعی‌شدن چه چیزهایی را یاد می‌گیریم؟

۵–ارتباط بر قرار کردن با دیگران چه اهمیت دارد؟

٦– رفتار عاطفی انسان چگونه می‌باشد؟ برای روشن شدن مفهوم آن یک مثال ذکر نمایید.



کارخانه‌گی

یک طفل دو ساله را با یک نوزاد مقایسه کنید و ملاحظه کنید که:

۱. طفل دو ساله چه چیزهایی را یاد دارد که نوزاد یاد ندارد. مثال: سخن گفتن، راه رفتن، بازی‌کردن، خندیدن، شناختن اعضای خانواده، و ....

عوامل اجتماعی‌شدن(۱)

در درس گذشته خواندیم، که انساها با یادگرفتن قواعد زندهگی اجتماعی، شخصیت اجتماعی پیدا می‌کنند و دانستنی‌های لازم برای زندهگی در یک جامعه را کسب می‌نمایند. در این درس می‌خواهیم این مطلب را با توضیح بیشتری درباره عوامل اجتماعی شدن تعقیب نماییم.



مقایسه کنید

خانواده و گروه هم‌بازی از جمله عوامل مهم اجتماعی‌شدن به شمار می‌روند. به نظر شما:

۱-طفل چه‌چیزهایی را در محیط خانواده و چه چیزهایی را در گروه هم‌بازی یاد می‌گیرد؟

۲- از لحاظ اجتماعی‌شدن، خانواده اهمیت بیش‌تری دارد یا گروه هم‌بازی؟ چرا؟

خانواده

اعضای خانواده به خاطر داشتن پیوندهای نسبی و سببی، روابط صمیمی، پایدار و مستحکمی باهم دارند. کودک در خانواده متولد می‌شود اعضای خانواده، نخستین افراد هستند که او را می‌شناسد. کودک در سال‌های اول زندگی خود، آماده‌گی زیادی برای یادگرفتن و عادت کردن و ارزش‌ها و قواعد اجتماعی دارد، زیرا ذهن او در هنگام تولد مانند یک صفحه سفید از هر نوع آگاهی، مهارت و گرایش خالی است و این خانواده است که در این سال‌های حساس، ارزش‌ها و قواعد اجتماعی را به کودک یاد می‌دهد. به طور مثال، ما در خانواده یاد می‌گیریم که:

- چگونه سخن بگوییم.
- چگونه نظافت خود و محیط خو را مراعات نماییم.

• به والدین و اعضای بزرگ خانواده خود احترام نماییم.
• اعضای خانواده خود را دوست داشته باشیم.
• چگونه با مردم معاشرت داشته باشیم؟
• خوب و بد را از یکدیگر تشخیص دهیم.
• به ارزش‌ها وباورهای دینی عمل نماییم.

خانواده بعضی از آداب و شیوه‌های زنده‌گی را طبق برنامه و به صورت عمدی به نسل جدید آموزش می‌دهد، ولی بعضی از آن‌ها ناآگاهانه و به صورت غیر ارادی آموخته می‌شود. به طور مثال، اخلاق والدین می‌تواند به طور نمونه‌های اخلاقی به کودکان منتقل شود، در حالی که آن‌ها ممکن است هرگز نخواهند که کودکان‌شان آن‌ها را یاد بگیرند. بنابراین، اگر والدین افرادی خوش‌خلق و خوش‌رفتار باشند، فرزندان آن‌ها نیز به احتمال زیاد افرادی خوش‌خلق بار خواهند آمد. ولی اگر برعکس، آن‌ها افرادی تند خو باشند فرزندان نیز این روش رفتار آن‌ها را خواهند آموخت چون والدین مهم‌ترین الگوهای شخصیتی فرزندان به شمار می‌آیند. در کنار والدین دیگر افراد خانواده و خویشاوندان نزدیک کودکان که همواره با آن‌ها رفت و آمد دارند و بر شخصیت کودکان تأثیر مستقیم دارند. مخصوصاً برادران بزرگتر، کاکا، پسران کاکا، عمه و خاله، مادر کلان‌ها و پدر کلان‌ها و امثال آن‌ها که به طور معمول سروکار کودک با آن‌ها زیاد می‌باشد در ساختار شخصیت کودک به طور مستقیم اثر می‌گذارند.

به دلیل آن‌که در هر کشوری فرهنگ‌های کو چک طبقاتی، قومی و عنعنوی وجود دارد و این فرهنگ‌های کوچک توسط خانواده حفظ گردیده و اشاعه می‌یابد، نسل جدید توسط خانواده به فرهنگ‌های کوچک خاصی وصل می‌شود. بنابراین، خانواده در شکل‌دادن شخصیت کودکان، تعیین ارزش‌ها و توقعات آن‌ها نقش به‌سزایی دارد؛ امّا باید توجه داشت که تأثیرات خانواده، اجتماع و محیط بر انسان به معنای سلب اختیار از او نمی‌باشد. در حقیقت محیط خانواده و سروکار داشتن با خویشاوندان نزدیک نخستین عامل سازندۀ شخصیت کودک به شمار می‌رود. در خانواده های افغانی شخصیت مادر در جهت دادن اخلاق و رفتار کودک از هر فرد خانواده بیشتر اثرگذار می‌باشد.

گروه هم‌بازی

کودکان به تدریج از محیط خانواده فاصله گرفته و در محیط اجتماعی و با کودکان هم‌سال خویش به بازی و تفریح می‌پردازند. کودکان در بازی‌ها نقش اجتماعی را ایفا می‌کنند و از این طریق با رول‌های مهم اجتماعی، از قبیل نقش **پدر**، **مادر**، **معلم**، **پولیس** و مانند اینها آشنا می‌شوند. کودکان با بازی کردن این نقش‌ها با نقش‌های مهم اجتماعی آشنا گردیده و برای ایفای این نقش‌ها در آینده، آماده می‌شوند.

علاوه بر این، کودکان از طریق بازی‌ها یاد می‌گیرند که چگونه با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، چگونه مخالفت کنند، چگونه موافقت نمایند، چگونه نزاع کنند و چگونه صلح نمایند. این امور ممکن است به ظاهر ساده به نظر آید ولی برای زنده‌گی اجتماعی بسیار مهم است.

کودکان هم‌سن و هم‌بازی نفوذ عمیقی بر شخصیت و رفتار یکدیگر می‌گذارند. آن‌ها از یکدیگر مدل لباس، اصطلاحات خاص و رفتارهای ویژه را یاد می‌گیرند و با صحبت‌هایی که با هم می‌کنند نوع و سطح آرزوها و آمال خود را تعیین می‌کنند.

علاوه بر این، در میان هم‌سالان کسانی هستند که رول رهبری را بازی می‌کنند و دیگران از شخصیت، رفتار و اخلاق آن‌ها پیروی می‌کنند. این گونه افراد تأثیر بیشتری بر سایر هم‌سالان خود می‌گذارند.

با توجه به تأثیرات عمیق و گسترده‌یی که هم‌سالان می‌توانند بر ما بگذارند، باید سعی نماییم دوستان خود را آگاهانه و از روی شناخت انتخاب نماییم. هیچگاه دنبال دوستان بد نرویم و از افکار و اعمال نادرست آن‌ها هیچگاه پیروی ننماییم. پیامبر بزرگ اسلام به این نکته توجه نموده و با صراحت پیروان خویش را متوجه موضوع مهم می‌سازد و می‌فرماید: (هر شخص بر دین دوست خود می‌باشد و باید هر یک از شما متوجه باشد که با چه کسی پیمان دوستی می‌بندد).

مروری بر درس

• ....

• ....

• ....

• ....

• ....

سؤالات درس

۱- خانواده از لحاظ اجتماعی شدن چه اهمیتی دارد؟

۲-روابط بین اعضای خانواده چگونه است؟ توضیح دهید.

۳- انسان در کدام دوره زنده‌گی برای یادگرفتن آماده‌گی بیشتری دارد؟

٤- ما در خانواده چه چیزهایی را یاد می‌گیریم؟

۵- خانواده در ساختار شخصیت کودکان چه نقش دارد؟

٦- چه کسی در خانواده بیشتر از همه در شخصیت کودکان اثرگذار است؟

۷- غیر از والدین دیگر کدام افراد خانواده در ساختار کودک تأثیر گذارهستند؟

۸- ما از هم‌بازی ها و هم‌سالان خود چه چیزهایی را یاد می‌گیریم؟

۹- کودکان در اثر ارتباط با هم‌سنان شان کدام رول‌ها را یاد می‌گیرند؟

۱۰- در رابطه به انتخاب هم‌بازی‌ها و دوستان صمیمی‌خویش چه مسؤولیتی متوجه ما می‌باشد؟

کارخانه‌گی

با مشوره با همدیگر و بعضی بزرگان یک مقاله دربارهٔ تأثیرات خانواده بر شخصیت کودکان بنویسید که از دو صفحه کمتر نباشد.

عوامل اجتماعی‌شدن(۲)

در درس گذشته دو عامل از عوامل اجتماعی‌شدن را شناختیم و در این درس با بعضی دیگر از عوامل اجتماعی‌شدن آشنا خواهیم شد.

مباحثه کنید



مکتب و رسانه‌های جمعی دو عامل دیگر اجتماعی‌شدن استند. به نظر شما:

۱- در مکتب چه چیزهایی را می‌آموزیم؟

۲-از رسانه‌ها چه چیزهایی را یاد می‌گیریم؟

۳- از میان عوامل اجتماعی‌کردن، کدام یک مهم است؟ چرا؟

مکتب

در عصر حاضر همه کودکان در سن هفت ساله گی به مکتب می‌روند. امروز، علوم و تخصص‌هایی مورد نیاز است که خانواده نمی‌تواند آن‌ها را به اطفال آموزش دهد، لذا این وظیفه را مکتب به عهده گرفته است. مکتب به کودکان مهارت خواندن، نوشتن و حساب‌کردن را یاد می‌دهد. همچنین، کودکان در مکتب مسایل مهم زنده‌گی اجتماعی، عقاید، مناسک دینی، تاریخ، جغرافیا، کیمیا، فزیک و ریاضی را می‌آموزند. مکتب اولین محیط رسمی است که کودک با آن مواجه می‌شود. طفل در مکتب با نقش‌های رسمی سروکار پیدا می‌کند.

برخوردهای افراد در مکتب عاطفی نیست بلکه روابط در اینجا رسمی و بیشتر غیرعاطفی است.

بنابراین، علاوه بر اموری که به طور آگاهانه در مکتب به شاگردان تعلیم داده می‌شود، موارد زیادی وجود دارد که ناآگاهانه به شاگردان یاد داده می‌شود. به طور مثال: شاگردان در ضمن پروگرام‌های روزانه مکتب، یاد می‌گیرند که:

۱) نظم را مراعات نمایند.

۲) نظافت را رعایت کنند.

۳) نوبت را رعایت نمایند.

٤) ازاوامرادارهٔ ومکتب اطاعت کنند.

۵) وقت‌شناس باشند.

٦) در درس‌خواندن و سایر کارهای خوب با دیگران رقابت کنند.

۷) برای رسیدن به موفقیت تلاش نمایند.

علاوه مکتب، مساجد نیز در بالابردن توانایی‌های اجتماعی کودکان نقش عمده و سازنده دارد. کودکان از طریق تعلیمات مسجد می‌آموزند که با اشیاء و جاهای مقدس برخورد متفاوت داشته باشند، با مظاهر و شعایر دینی خود بیشتر از مظاهر ساده اجتمای احترام بگذارند. اساساً گرایش‌های ایمانی در کودکان از مرحله تعلیم مسجد در وجود آن‌ها نهادینه می‌شود و از سوی دیگر اشتراک در نمازهای جماعت نیز انگیزه‌های ایمانی را بارور تر می‌گرداند و رابطهٔ کودک را با مردمی‌که به مسجد رفت و آمد دارند استحکام بیشتری می‌بخشند پس از مسجد، محله و مجتمع هم در زنده‌گی یک کودک شدیداً اثرگذار است. بنابراین مراسم اجتماعی و برنامه‌های عمومی‌یی که قسمتی از شهروندان را گردهم می‌آورد بر شخصیت کودکان نیز تأثیر می‌گذارد.

رسانه‌های جمعی

در گذشته مردم اطلاعات خود را بیشتر از طریق ارتباطات شخصی و فرد به فرد به دست می‌آوردند ولی امروز رسانه‌های جمعی اطلاعات را با سرعت چشم‌گیری به جمعیت کثیری از مردم می‌رساند. رسانه‌های جمعی شامل وسایل زیر می‌شود:

رادیو، تلویزیون، انترنت، روزنامه و مجله. بسیاری از ما وقت زیادی را صرف خواندن روزنامه یا مجله، گوش‌دادن به رادیو، تماشای تلویزیون و یا سینما می‌کنیم. به خصوص در شهرها و روستاهایی که انرژی برق وجود دارد و شبکه‌های تلویزیونی فعال‌اند، اطفال بیش از دیگران وقت خود را صرف تماشای تلویزیون می‌کنند. رسانه‌های جمعی تقریباً در باره همه چیز به مخاطبان خود اطلاعات می‌دهد. به طور مثال: از واقعات روزمره در سراسر جهان گزارش می‌دهد، وضعیت آب و هوا را اعلام می‌کند، پیشرفت‌های علمی و تکنالوژیک را گزارش می‌دهد، حوادث تاریخی را تشریح و بیان می‌کند، درباره فرهنگ و شیوه زنده‌گی مردم مختلف دنیا گزارش می‌دهد، باورها و عقاید ملل دنیا را تشریح نموده و جنبه‌های ملموس آن را نمایش می‌دهد.

با توجه به طیف وسیع از اطلاعات که توسط رسانه‌ها منتشر می‌شود و نیز با توجه به استفاده وسیعی که از این رسانه‌ها به عمل می‌آید، می‌توان حدس زد که آن‌ها چه قدر می‌توانند تأثیر وسیع و عمیقی بر افکار، احساسات، عقاید و رفتارهای مردم برجای بگذارند.

باید توجه داشت که رسانه‌های گروهی با توجه به تأثیر و نفوذی که دارد، می‌تواند تأثیر مثبت و یا منفی برجای بگذارد. به طور مثال: اگر با دقت و مراقبت مورد استفاده قرار بگیرد می‌تواند باعث تقویت ارزش‌ها، قواعد و عقاید ساکنان اصلی گردیده و هویت و همبسته‌گی ملی را تقویت نماید. درغیر این صورت، همین وسایل می‌تواند مخرب ارزش‌ها و عقاید فرهنگی و مذهبی بوده و به هویت و همبسته‌گی ملی نیز صدمه بزند. رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی از مؤثر ترین وسیله توجیه و تشکیل عقل و شخصیت انسان به شمار می‌آید. اگر آن برای آبادانی و توجیه سالم یک ملت مورد استفاده قرار گیرد، می‌تواند آن ملت را به شکوفایی و تمدن شگفت انگیزی برساند و اگر در دست دشمن قرار گیرد یکی ازتباه‌کن ترین وسایلی خواهد بود که حاضر و آینده ملتی را در معرض نابودی قرار دهد.



مروری بر درس

• ....

• ....

• ....

• ....

• ....



سؤالات درس

۱- پس از خانواده و دوستان هم‌بازی کدام چیز می‌تواند در شخصیت انسان اثر گذار باشد؟

۲- چرا والدین فرزندان خود را از هفت ساله‌گی به مکتب می‌فرستند؟

۳- مکتب کدام مهارت‌ها را به اطفال یاد می‌دهد؟

٤- شاگردان روزانه در مکتب کدام موضوعات را یاد می‌گیرند؟

٥- برخوردهای افراد در مکتب چگونه می‌باشد؟

٦- در مساجد کودکان چه چیزهایی را فرا می‌گیرند؟

۷- مجتمع کودکان و نوجوانان را چگونه توجیه و رهبری می‌کند؟

۸- رسانه یعنی چه؟ به کدام موارد اطلاعاتی رسانه می‌گوید؟

۹- رسانه‌ها کدام موضوعات را به اطلاع مردم می‌رسانند؟

۱۰- جنبه‌های مثبت رسانه‌ها را بیان کنید.



کارخانه‌گی

پیرامون رسانه‌های گروهی در افغانستان و برنامه‌های آن‌ها روشنی انداخته، اندازهٔ تأثیرات مثبت و منفی آن‌ها را در دو صفحه بیان دارید.

مراحل زنده‌گی

فکر کنید و جواب بدهید

انسان از لحاظ سنی مراحل مختلفی را پشت سر می‌گذارد. از لحاظ اجتماعی، هر کدام از این مراحل ارزش‌ها و قواعد خاصی دارد که باید رعایت شود. با توجه به این واقعیت، به سؤال‌های زیر جواب بدهید:

۱- این مراحل سنی کدام اند؟

۲- قواعد هر مرحله سنی را بیان کنید؟

جامعه شناسان، علما، روان شناسان و دانشمندان جامعه مراحل متعددی را برای زنده‌گی انسان مشخص کرده‌اند. این مراحل اساساً حیاتی‌اند ولی مراحل



حیاتی زنده‌گی انسان در عین حال اجتماعی نیز می‌باشند، هر یک از مراحل عمری انسان از نگاه اجتماعی از مرحلهٔ دیگر تفاوت دارد. بنابرآن ما باید یاد بگیریم که در هر مرحله از زنده‌گی چگونه رفتار نماییم. درک این مراحل و قواعد متناسب با هر کدام می‌تواند ما را در شناخت زنده‌گی کمک نماید. اینجا لازم است مراحل مختلف زنده‌گی انسان را از نظر بگذرانیم.

دوران طفولیت

دوران کودکی در گذشته خیلی کوتاه بود، چون کودکان خیلی زود در مزارع و کارخانه‌ها به کار گرفته می‌شدند و دوش به دوش بزرگان کار می‌کردند. امّا اکنون در جهان کودکان در آسایش بیشتری قرار دارند و به تفریح و آموزش اشتغال دارند. دوران کودکی دوران ناتوانی و بی خبری انسان است. از همین جهت، والدین و اعضای بزرگ خانواده سعی می‌کنند شرایط زنده‌گی مناسبی را برای کودکان خود فراهم سازند تا آن‌ها از لحاظ حیاتی و اجتماعی رشد کنند.

کودکان در سنین پایین‌تر بیشتر به بازی و تفریح می‌پردازند و والدین برای کودکان بازیچه‌های گوناگون تهیه می‌کنند و شرایط مساعد زنده‌گی را برای آن‌ها فراهم می‌سازند تا اوقات خوشی داشته باشند. کتاب‌های مخصوص کودکان که بیشتر از عکس و تصویر در آن‌ها استفاده شده و پروگرام‌های تلویزیونی کودکان برای سرگرمی و آموزش شیوه‌های زنده‌گی به کودکان تهیه می‌شود. کودکان به طور معمول از کارها و فعالیت‌های اقتصادی ندارند. و مسئوولیت‌های خانواده‌گی و اجتماعی زیادی به آن‌ها سپرده نمی‌شود.

کودکان در سنین قبل از شش ساله گی تقلید کورکورانه می‌کنند و بیشتر از والدین و برادران و خوهران بزرگ شان تأثیر می‌پذیرند؛ ولی بعد از هفت ساله گی مسایل زنده‌گی و مهارت‌های آن را به دو روش فرا می‌گیرند: یکی روش ناخودآگاه که از محیط و هم نشین و خانواده و رسانه و غیره متأثر می‌شوند و دوم؛ به روش تلقین و درس فرا می‌گیرند.

کودکان امروز تا تکمیل نمودن سن هجده مسؤولیت‌های سنگین زنده‌گی متوجه‌شان نمی‌باشد و اگر اشتباهاتی از دست شان سر می‌زند همانند بزرگان مجازات نمی‌شوند. ولی در تعالیم اسلام سن رشد کودکان پایین‌تر از سن هجده وضع گردیده است. در فقه اسلامی سنی که یک دختر یا پسر به سن بلوغ می‌رسد مرز بین کودکی و

جوانی قلمداد شده است. زمانی که پسران و دختران به سن بلوغ می‌رسند از نظر اخلاقی و اجتماعی نیز درآن‌ها دگرگونی‌هایی به‌وجود می‌آید. یکی از عمده ترین تغییرات همانا حس مسؤولیت پذیری می‌باشد.

دوران جوانی

جوانی که از سن هجده ساله‌گی شروع می‌شود یکی از مهم‌ترین دوره‌های زنده‌گی انسان به حساب می‌آید. سال‌های اولی این دوره برای بسیاری از مردم دورۀ گذراندن تحصیلات عالی است.

همچنین، در این دوره بسیاری از جوانان ازدواج می‌کنند و تشکیل خانواده می‌دهند. یکی دیگر از اتفاقات مهم که در این دورۀ زنده‌گی ممکن است روی دهد، وارد شدن به کار وظیفه است که احتمالاً تا آخر عمر در آن باقی بمانند. این دورۀ زنده‌گی مستلزم سبک خاص است که در جوامع مختلف با هم تفاوت می‌کند. جوانان در همۀ جوامع لباس‌های متفاوتی با افراد مسن‌تر می‌پوشند و از لحاظ رفتار نیز فعال‌تراند و به شادی و تفریح علاقۀ بیشتری دارند. در مجموع، سبک زنده‌گی جوانان با افراد مسن تاحدود زیادی متفاوت است. تقریباً در همه جوامع مسؤولیت‌های بسیار مهم و خطیر به جوانان سپرده نمی‌شود؛ چون آنان از تجربۀ لازم در بسیاری از عرصه‌های حیات برخوردار نیستند.

دوران سن متوسط

دوران سن متوسط که از حدود سی ساله‌گی شروع می‌شود، اقتضای خاص خود را دارد. در این دوره افراد هم انرژی لازم را برای انجام کارها دارند و هم تجربۀ خوبی از زنده‌گی اندوخته‌اند.

بنابراین، می‌توان این دورۀ زنده‌گی را دورۀ پخته گی افراد دانست. به همین دلیل است که در سطح خانواده و جامعه مسئوولیت‌های مهم به افرادی که در این دورۀ سنی قرار دارند، سپرده می‌شود.

مردم از افراد سن متوسط توقع دارند که ارزش‌ها، قواعد و آداب این دوره سنی را مراعات کنند. از آن‌ها توقع می‌رود که در پوشیدن لباس، رفتار و معاشرت متین‌تر از جوانان باشند. بسیاری از رفتارها که از جوانان قابل قبول به نظر می‌رسد، از افرادی که در سن متوسط قرار دارند ممکن قابل قبول نباشد. جوانان به تدریج که به سن متوسط نزدیک می‌شوند، آداب این دورۀ سنی را یاد می‌گیرند.

دورۀ پیری

آخرین مرحله زنده‌گی انسان دوره پیری است. این دوره از سن شصت تا هفتاد ساله‌گی شروع می‌شود. در جوامع اسلامی‌و سنتی، دوران پیری با وقار و احترام همراه است. در این جوامع، فعالیت فزیکی سال‌خورده‌گان کاهش ولی مشارکت فکری آنان افزایش می‌یابد. افراد سال خورده به دلیل داشتن تجارب زیاد به طور معمول در رأس تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند و یا لااقل در این زمینه با آن‌ها مشورت صورت می‌گیرد؛ اما در جوامع جدید، وضعیت سال‌خورده‌گان فرق می‌کند. وقتی افراد به سن پیری رسیدند متقاعد و بازنشسته می‌شوند، آن‌ها باید جای خود را برای افراد جوانترخالی کنند. اما از دیدگاه اسلام بزرگ‌سالان حقوق زیاد دارند. از آن جمله می‌توان از تأمین احتیاجات مادی و معنوی آن‌ها یاد کرد. پیغمبر اسلام حضرت محمد ﷺ می‌فرماید: **از ما نیست کسی‌که به بزرگان احترام و به اطفال و خُردسالان شفقت نداشته باشد.** از این‌رو فامیل‌ها باید به بزرگ‌سالان عزت و احترام قایل باشند و مایحتاج زنده‌گی شان را چون خوراک، لباس و سرپناه فراهم نمایند و مشکلات آن‌ها را تا اندازۀ که توان دارند رفع نمایند. هرگاه مریض شوند

باید آن‌ها را برای تداوی نزد داکتر برده و تداوی نمایند. هرگاه به چیزی ضرورت داشتند آن را فراهم نمایند و با روش نیکو با آن‌ها برخورد نمایند. از اهانت، زشتی و رویهٔ ناسالم در مقابل آن‌ها خودداری کنند. زمینه‌های بیشتر آسایش و آرامی‌آن‌ها را به خاطر رضایت خداوندﷻ مهیا سازند. هرگاه بزرگ سالان خویش و اقارب نداشته باشند، دولت‌ها مکلف‌اند پول خوراک، زنده‌گی و وسایل آسایش و آرامی‌آن‌ها را به عهده بگیرند.



مروری بر درس

- ....
- ....
- ....
- ....
- ....



سؤالات درس

۱- انسان از لحاظ اجتماعی باید کدام مراحل را طی کند؟
۲- در دوران کودکی مسوؤلیت والدین در مقابل کودکان شان چیست؟
۳- دوران کودکی دارای چه خصوصیت‌هایی است؟
٤- دوران جوانی از چند ساله‌گی آغاز می‌گردد و برای جوانان از چه اهمیتی برخوردار است؟
٥- دورهٔ سن متوسط دارای کدام ویژه‌گی‌ها است؟
٦- چرا سالخورده‌گان معمولاً در رأس تصمیم گیری قرار می‌گیرند؟
۷- فرق میان موقعیت سال خورده گان در جهان اسلام و جهان غرب چیست؟



کارخانه‌گی

دوران کودکی را با دوران جوانی مقایسه نمایید.

خلاصهٔ فصل

• هر جامعه فرهنگ خاص خود را دارد و در فرهنگ دستورالعمل‌هایی برای رفتار افراد وجود دارد که اعضای جامعه بر طبق آن‌ها عمل می‌کنند.

• برقراری ارتباط با دیگران یک ضرورت زنده‌گی اجتماعی ما است. موفقیت در برقراری ارتباط با دیگران باعث موفقیت در زنده‌گی اجتماعی ما می‌گردد.

• خانواده و گروه هم‌بازی از جمله عوامل مهم اجتماعی شدن انسان به شمار می‌رود.

• خانواده گروهی است که اعضای آن به خاطر داشتن پیوندهای نسبی و سببی روابط صمیمی، پایدار و مستحکمی‌با هم دارند.

• مکتب و رسانه‌های جمعی دو عامل دیگر اجتماعی شدن استند.

• رسانه‌های جمعی اطلاعات را با سرعت چشم‌گیری به جمعیت کثیری از مردم می‌رساند و شامل رادیو، تلویزیون، انترنیت، روزنامه، مجله و غیره می‌باشد.

• مراحل مختلف زنده‌گی انسان‌ها شامل دوران کودکی، دوران جوانی، دوران پخته گی عمر(سن متوسط) و دورهٔ پیری می‌باشد.

فصل دوم

نظم اجتماعی

در این فصل درس‌های زیر را می‌آموزیم:

- **نظم اجتماعی چیست؟**
- **عوامل نظم اجتماعی (۱)**
- **عوامل نظم اجتماعی (۲)**
- **انحرافات اجتماعی و انواع آن (۱)**
- **انحرافات اجتماعی و انواع آن (۲)**

اهداف فصل

شاگردان عزیزشما، بعد از خواندن این فصل:

- معنا و اهمیت نظم اجتماعی را می‌دانید.
- با عوامل نظم اجتماعی آشنا می‌شوید.
- به ایجاد نظم اجتماعی علاقه‌مند می‌شوید.
- انحرافات اجتماعی را می‌شناسید.
- عوامل انحرافات اجتماعی را می‌دانید.
- از انحرافات و جرایم اجتماعی متنفر می‌شوید.

نظم اجتماعی چیست؟



مباحثه نمایید

سؤال‌های ذیل را بخوانید و دربارۀ آن‌ها مباحثه کنید:

۱- آیا شما خانۀ زنبور عسل و یا مورچه را دیده‌اید و می‌دانید که آن‌ها چگونه زنده‌گی می‌کنند؟

۲- چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی را میان زنده‌گی زنبور عسل و جامعۀ انسانی می‌بینید؟

چنان‌که می‌دانیم، **جامعۀ** انسانی از افراد و گروه‌های زیادی تشکیل می‌شوند. علاوه بر کثرت نفوس تنوع گروه‌ها و اختلاف روابط آن‌ها، جامعه همواره از نظم و ترتیبی برخوردار است که ما می‌توانیم به آرامی‌در آن زنده‌گی کنیم. برای درک این مسأله مثالی می‌آوریم: شاید شما خانۀ زنبور عسل و یا مورچه را دیده باشید. زنبور عسل و مورچه زنده‌گی اجتماعی دارد و تعداد زیادی از آن‌ها در یک خانه با همدیگر یکجا زنده‌گی می‌کنند.

زنده‌گی اجتماعی به این معنا است که هر کدام وظیفۀ خاصی را بر عهده گرفته و به‌خوبی انجام می‌دهد. وقتی صدها زنبور باهم زنده‌گی می‌کنند، اگر نظم و هماهنگی دقیق میان آن‌ها وجود نداشته باشد، زنده‌گی اجتماعی آن‌ها به زودی از بین می‌رود و تداوم نمی‌یابد. چیزی که زنبور عسل و مورچه را در پهلوی گروه‌شان جمع می‌کند حکمتی است که خداوندﷻ در وجود آن‌ها قرار داده است. آن‌ها بدون آن‌که از هدایات مقامات بالاتر خود مخالفت و سرپیچی کنند، امور خود را پیش می‌برند و دلیل آن این است که آن‌ها با همین خصوصیت آفریده شده اند. زنده‌گی انسان نیز کم‌وبیش شبیه زنده‌گی زنبور عسل است، چون انسان‌ها نیز زنده‌گی اجتماعی دارند: افراد زیادی در یک جامعه زنده‌گی می‌کنند، با یکدیگر روابط دارند و با هم همکاری می‌کنند. اما یک تفاوت اساسی میان زنده‌گی انسان و زنبور عسل وجود دارد و آن این است: عاملی که انسان‌ها را در کنار یکدیگر جمع می‌کند و امکان زنده‌گی اجتماعی را فراهم می‌سازد، غریزه نیست؛ بلکه ارزش‌ها، قواعد، قانون، ضرورت‌ها و به طور کلی فرهنگ است. نظم پذیری در میان انسان‌ها ارادی و عاقلانه صورت می‌پذیرد؛ ولی در میان گروه زنبور عسل غیر ارادی و به طور فطری است.

نظم اجتماعی چیست؟ برای آن‌که بتوانیم درک بهتری از این مفهوم داشته باشیم، نظم اجتماعی را در دو سطح خُرد و کلان مورد بحث قرار می‌دهیم.

سطح محدود

منظور از نظم اجتماعی در سطح خُرد این است که افراد در جامعه به آرامی رفتارهای یکدیگر را می‌فهمند، و از این رو آن‌ها می‌توانند رفتارهای یکدیگر را پیش‌بینی نموده و به آسانی باهم ارتباط برقرار کنند؛ به طور مثال: زمانی که شما به دکانی

برای خرید مراجعه می‌کنید، چیزی را تقاضا می‌کنید و او منظور شما را می‌فهمد و اگر جنس مورد نظر شما را داشته باشد به شما می‌دهد و پول خود را می‌ستاند. این حادثه که به‌ظاهر خیلی ساده به نظر می‌رسد، در واقعیت خیلی پیچیده و در عین حال بسیار مهم است. ارتباط شما با دکاندار به این خاطر بسیار ساده برقرار شد که هر دوی شما از زبان مشترک، ارزش‌های مشترک و قواعد مشترک برخوردار استید. اگر او یک موجود بیگانه‌می‌بود و با ارزش‌ها و قواعد فرهنگی شما آشنایی نمی‌داشت، شما نمی‌توانستید باهم ارتباط برقرار نمایید. پس، ما به این خاطر می‌توانیم با مردم ارتباط برقرار نماییم که همهٔ ما از ارزش‌ها و قواعد مشترک برخوردار استیم. ما می‌توانیم رفتارهای احتمالی دیگران را درک و بر اساس آن، با آن‌ها رفتار نماییم.

سطح وسیع

وقتی از نظم در سطح وسیع صحبت می‌کنیم، منظور نظم در سازمان‌ها، نهادها و همهٔ جامعه است. به‌عنوان مثال، وقتی شما صبح وقت: به نانوایی می‌روید و نان می‌خرید، به خانه برمی‌گردید و ناشتا می‌خورید، و به مکتب می‌روید و درس می‌خوانید، هیچ وقت قبل از رفتن به این جاها ، تردید نمی‌کنید که ممکن است امروز **نانوایی**، **خانه** و یا **مکتب** به کار روزمره خود ادامه نداده و به کار دیگری بپردازد. پس معلوم می‌شود که جامعه از یک نوع نظم و هماهنگی برخوردار است که همه چیز در جای خود می‌باشد. مؤسسات و ارگان‌های مختلف هر روز به کارهای عادی خود ادامه می‌دهند و مردم مانند همیشه رفتار نموده و از قواعد اجتماعی و قوانین کشور پیروی می‌نمایند. در واقع، جامعه مانند یک ماشین است که از اجزای خُرد و کلان زیادی تشکیل شده و

با نظم و هماهنگی خاصی کار می‌کند.

آیا تا اکنون از خود پرسیده‌اید که چرا کارها همیشه مطابق جریان معمول انجام می‌گیرد و نظم جامعه همچنان ادامه دارد؟ جواب این سؤال را در درس‌های بعدی خواهیم خواند.



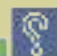
مروری بر درس

• ....

• ....

• ....

•– ....



سؤالات درس

۱- اگر نظم و هماهنگی در زندگی اجتماعی نباشد، چه خواهد شد؟

۲- زندگی زنبور عسل و مورچه‌ها چگونه است؟

۳- فرق میان زندگی اجتماعی انسان و زندگی اجتماعی زنبور عسل در چه نهفته است؟

٤- منظور از نظم اجتماعی در سطح محدود چیست؟

٥- نظم اجتماعی در سطح وسیع چه مزایا دارد؟

٦- یک مثال از نظم کوچک و یک مثال از نظم کلان را توضیح دهید.



کارخانه‌گی

نظم در میحط کوچک و نظم در محیط گستره را مقایسه کنید.

عوامل نظم اجتماعی (۱)



مباحثه نمایید

با توجه به درس گذشته، به نظر شما:
آیا، حیات اجتماعی ما نظم و قانون‌مندی دارد؟
اگر جواب شما مثبت است، چه عواملی باعث می‌شود که زنده‌گی ما نظم داشته باشد؟

همان طوری‌که در درس قبلی خواندیم، با وجود آن‌که انسان و زنبور عسل هر دو زنده‌گی اجتماعی دارند، زنبور عسل به‌طور فطری اجتماعی زنده‌گی می‌کند و به همین دلیل است که زنده‌گی آن‌ها در طی هزاران سال تغییر نمی‌کند. قرن‌ها است که آن‌ها به یک شیوه خانه می‌سازند، به یک طریقه شیرهٔ گل‌ها را جمع‌آوری نموده و عسل می‌سازند، به یک شیوه تغذیه می‌کنند، و تقسیم کار یکسان دارند. اما روابط اجتماعی انسان بر اساس قواعد و معیارهایی استوار است که در جامعه به وجود آمده و مردم باهم توافق می‌کنند که آن‌ها را مراعات نمایند. بنابراین، شناخت این قواعد و اصول که اساس روابط اجتماعی ما را شکل می‌دهند برای ما اهمیت زیادی دارد که آن‌ها را در این درس و درس بعدی مورد بحث قرار خواهیم داد.

ارزش‌های اجتماعی

ما دربارهٔ بسیاری از موضوعات قضاوت می‌کنیم؛ مثلاً: آن‌ها را خوب یا بد، مناسب یا نامناسب می‌دانیم. به‌طور مثال: احترام کردن به یکدیگر، درس

خواندن، کار کردن، امانت‌داری و راستگویی را خوب می‌گوییم، بی‌احترامی، تنبلی، خیانت و دروغگویی را بد می‌دانیم. دانشمندان علوم اجتماعی، این نوع مفاهیم را **ارزش** می‌نامند. ارزش‌ها در زمینه‌های مختلف معیار قضاوت ما قرار می‌گیرند. بدون ارزش‌های مشترک، مردم در برقراری ارتباط با یکدیگر با مشکل دچار می‌شوند؛ زیرا در این صورت آن‌ها معیار مشترکی در دست ندارند که به وسیلهٔ آن رفتارهای خود و دیگران را ارزیابی کنند. حتا در یک کار ساده اگر ارزش‌های مشترک وجود نداشته باشد، امکان توافق وجود ندارد در آن صورت آن‌ها نمی‌توانند بالای این‌که چه چیزی باید انجام شود، چه چیزی عادلانه است و رفتار مناسب کدام است، با هم توافق نمایند.

قواعد

گرچه ارزش‌ها در زنده‌گی ما بسیار اهمیت دارند، ولی آن‌ها آنقدر عمومی‌استند که نمی‌توانند به طور دقیق رفتارهای ما را تنظیم کنند. به طور مثال: **احترام به دیگران** به عنوان یک ارزش، به ما فقط می‌گوید که احترام کردن به دیگران خوب است، ولی نمی‌گوید که چگونه باید احترام نماییم. در حالی‌که می‌دانیم، در هر جامعه ای به طریقهٔ خاصی به یکدیگر احترام می‌کنند.

ممکن است یک عمل خاص در یک جامعه احترام و همان عمل در جامعه دیگر بی‌احترامی‌تعبیر گردد. بنابراین، ارزش‌ها باید به دستورالعمل‌های خاص تبدیل شوند تا ما بتوانیم از آن‌ها در رفتارهای خود استفاده نماییم. انسان‌ها از چنان توانایی برخوردار استند که می‌توانند از این ارزش‌های عام، دستورالعمل‌هایی برای رفتار در وضعیت‌های اجتماعی خاص بسازند. این دستورالعمل‌ها **قواعد** نامیده می‌شوند. طوری‌که می‌دانیم بعد از ظهور دین مبین اسلام مسلمانان از قواعد و ارزش‌های اسلامی‌پیروی می‌نمایند که به یقین رفتارهای افراد جامعه را

دقیقاً تنظیم می‌کند و به راهی که آن‌ها را به خداوند ﷻ نزدیک نموده و به‌سوی خوشبختی دنیا و آخرت ببرد هدایت می‌کند. ما بر اساس قواعد، این توانایی را کسب می‌کنیم که در خانه، مکتب، اداره و دیگر عرصه‌های اجتماعی با یکدیگر ارتباط برقرار نماییم.

نقش اجتماعی

قواعد، پراکنده و بی‌ارتباط بایکدیگر نیستند، بلکه آن‌ها در گروه‌های منظم، با یکدیگر ارتباط دارند و از این طریق روابط ما را آسان‌تر نموده و به برقراری نظم اجتماعی کمک می‌کنند. به طور مثال: مقام مادر را در خانواده در نظر بگیرید؛ مردم در جامعه‌یی خاص، از مادران توقع دارند که کارهای خاصی را برای فرزندان خود انجام دهند.

کارهایی که ما از مادران توقع داریم، در حقیقت همان قواعدی است که به **نقش** مادری مربوط می‌شود. هر کسی که مادر می‌شود، باید نقش مادر را بازی نماید، یعنی کارهایی را انجام دهد که از مادران توقع می‌رود. هر شخصی نقش‌های متعددی را بازی می‌کند. مثلاً یک نفر ممکن است در خانه **مادر** و **همسر**، در مکتب **معلم** و در حزب **عضو عادی** باشد. او هر نقش را در جای خود بازی می‌کند و اگر چنین نکند هم او و هم دیگران با مشکل مواجه خواهند شد. به این ترتیب، ما چون در هر موقعیتی که هستیم نقش متناسب با آن را بازی می‌کنیم، به طور منظم رفتار می‌کنیم، به طوری‌که حتا دیگران می‌توانند رفتارهای احتمالی ما را پیش‌بینی نمایند.

خلاصه آن‌که افراد یک جامعه با پذیرش ارزش‌ها و قواعد مشترک و با رعایت کردن آن‌ها در نقش‌های مختلف اجتماعی، از آشفته گی و هرج و مرج

جلوگیری نموده و رفتارهای خویش را منظم می‌سازند. ارزش‌ها و قواعد مشترک باعث می‌شود؛ مردم یک جامعه از یکدیگر توقع رفتارهای خاصی را داشته باشند. نیز از یکدیگر انتظار داشته باشند که از رفتارهای خاصی که باعث بی نظمی‌در جامعه می‌شود اجتناب ورزند. این امر به معنی نظم، هماهنگی و انضباط در روابط بین مردم است.



مروری بر درس

- ....
- ....
- ....
- ....
- ....



سؤالات درس

۱- ارزش‌های اجتماعی را تعریف نمایید.

۲- ارزش در زنده‌گی اجتماعی چه نقشی را بازی می‌نماید؟

۳- قواعد چیست؟

٤- نقش چیست؟ و شما اکنون کدام نقش را بازی می‌نمایید؟



کارخانه‌گی

مکتب خویش را در نظر بگیرید، و از چند نقش نام بگیرید و بگویید این نقش‌ها را چه‌کسانی بازی می‌کنند.

عوامل نظم اجتماعی (۲)



مباحثه نمایید

سؤالات زیر را بخوانید و درباره آن‌ها مباحثه کنید:

۱- آیا ارزش‌ها و قواعد اجتماعی برای ایجاد نظم اجتماعی کافی است؟

۲- اگر فکر می‌کنید که کافی نیست، پس کدام وسایل و روش‌ها را پیشنهاد می‌کنید؟

علاوه بر شباهت‌های زیادی که میان جامعهٔ بشری و کندوی عسل وجود دارد، انسان زنبور عسل نیست و جامعهٔ بشری علاوه برنظم و انضباطی که دارد، بیش‌تر شاهد انواع تضادها، کشمکش‌ها و قانون‌شکنی‌ها است که باعث بی‌نظمی می‌گردد. ازدیاد نفوس، نابرابری، بی‌عدالتی، تبعیض و سایر عوامل که بی‌نظمی به بار آورده، انحراف را افزایش داده، و مردم را به شورش سوق می‌دهند. بعید است روزنامه‌یی را بگشاییم که در آن گزارشی از قتل، عصبانیت، اعتراض، انحراف و سرپیچی از قانون را مشاهده نکنیم. این سخن به این معنا است که ارزش‌ها و قواعد، گرچه عامل بسیار مهم نظم اجتماعی است، ولی به تنهایی کفایت نمی‌کند. جامعه، علاوه بر ارزش‌ها و قواعد، ضرورت به وسایل و روش‌های دیگری برای کنترول اجتماع و ایجاد نظم دارد. البته

که مهمترین آن‌ها عبارتنداز: قانون، پولیس، محکمه و زندان. این درس به توضیح این چهار ارگان اختصاص داده شده است.

قانون

زمانی که جامعه بشری کوچک بود، تنها با ارزش‌ها، قواعد و آداب و رسوم غیر مدون اداره می‌شد، امّا زمانی که نفوس بیشتر شد و دولت‌ها برای اداره مردم تشکیل یافت، به قانون ضرورت پیدا شد. قانون دستورالعملی است که توسط قوهٔ مقننه یا پارلمان تصویب می‌شود. بعضی از قوانین ناظر به اعمال مردم است که بایستی بدان عمل کنند، ولی بعضی دیگر معطوف به عملکرد حکومت است. در هر دو صورت، قانون بسیاری از اعمال مردم و دولت را تنظیم می‌کند و روابط میان مردم با یکدیگر از یک‌سو و روابط میان مردم و دولت را از سوی دیگر، تنظیم و هماهنگ می‌سازد. جوامع امروزی که بسیار گسترده و پیچیده شده است، بدون قانون اداره نمی‌شود.

اغلب کشورها دارای قانون اساسی استند قانون اساسی مسایل بسیار عمومی‌ولی مهم را مطرح می‌سازد که به آسانی قابل تغییر نمی‌باشد، و آن مبنا و مادر قوانین دیگر به شمار می‌رود.

قوانین کشوری روابط افراد، شرکت‌ها، مؤسسات و دولت را با یک دیگر تنظیم می‌کنند. اگر قانون در جامعه وجود نداشته باشد، بی‌نظمی‌و هرج و مرج بر جامعه حاکم خواهد شد که بالآخره به سقوط نظام اجتماعی منجر خواهد شد. جامعه در صورتی نظم و نسق یافته و به سوی تکامل و پیشرفت خواهد رفت که در نخست قانون خوب داشته باشد و دوم قانون به خوبی عملی شود.

در جوامع اسلامی‌قانون اساسی در روشنایی احکام، قوانین اسلامی‌و مذهب رایج در کشور ترتیب و تنظیم می‌گردد، اگر چنین نباشد آن قانون فاقد اعتبار شرعی بوده، ارزش و مقام اجتماعی خود را از دست می‌دهد.

پولیس

قانون در جوامع مدرن یک امر ضروری به شمار می‌رود؛ اما آن بایستی پشتوانهٔ اجرایوی داشته باشد. اگر ضمانت اجرایوی وجود نداشته باشد، ممکن است کسی به قانون عمل نکند. پولیس نیرویی است که برای حفظ نظم و کنترول جرایم فعالیت می‌کند. پولیس امنیت داخلی کشور را در برابر مجرمان و جنایتکاران محافظت می‌کند. اگر پولیس در جامعه نباشد، بخش اجرایی حکومت نمی‌تواند از

مردم بخواهد که فرمان‌های حکومتی را اجرا نمایند. در آن صورت عدهٔ زیادی از مردم از فرمان‌های حکومتی سرپیچی خواهند کرد. همچنین، اگر پولیس نباشد، مجرمان دستگیر و به محاکم سپرده نخواهند شد؛ چرا که آنان حاضر نیستند خود را تسلیم نمایند. بنابراین، امروز پولیس یکی از مؤسسات مهم اجتماعی برای حفظ نظم و امنیت اجتماعی به حساب می‌رود.

محکمه

قوهٔ قضاییه یکی از سه قوهٔ اصلی دولت‌های مدرن می‌باشد. تعلیمات اجتماعی اسلامی‌به این قوه اهمیت فوق العاده‌یی بخشیده است، به نحوی‌که محکمه را عالی‌ترین مرجع بر پا دارندهٔ عدالت اجتماعی دانسته حاکم ومحکوم را منقاد و مطیع فیصله‌های شرعی آن می‌داند. قوهٔ قضاییه برای آن است که اگر میان مردم با یکدیگر، یا میان مردم و دولت اختلافات و دعاوی حقوقی یا جنایی پیش بیاید از طریق محاکم آن‌ها را فیصله می‌کند. محکمه مرجعی برای کسانی است که حقوق‌شان توسط افراد، شرکت‌ها و یا دولت مورد تعرض قرار گرفته است. در صورتی که محکمه به وظیفهٔ خود به خوبی عمل نماید، نخست آن‌هایی که حق‌شان ضایع شده، به حق خود خواهند رسید و دوم کسانی که می‌توانند مال و جان دیگران را مورد تعرض قرار دهند ولی هنوز چنین کاری را مرتکب نشده‌اند، از بیم آن‌که به محکمه کشیده شده و مجازات شوند، از تعرض خودداری خواهند کرد.

زندان

زندان نیز یکی از مراکز تأدیبی و تربیت مجدد بوده که اجتماع را از شر مجرمان پاکسازی می‌کند از این‌رو یکی از مهم‌ترین وسایل کنترول اجتماعی به شمار می‌رود. کسانی که به حکم محکمه به مجازات زندان محکوم می‌شوند، دوره محکومیت خود را در زندان به سر می‌برند. عده‌یی از مردم از ترس افتادن در زندان دست به جرم و جنایت نمی‌زنند. طوری‌که ملاحظه گردید، در دولت‌های مدرن از وسایل بسیار نیرومندی برای حفظ نظم اجتماعی و جلوگیری از هر گونه بی‌نظمی، انحراف و جرایم استفاده می‌گردد. قانون، پولیس، محکمه و زندان از مهم‌ترین وسایل کنترول اجتماعی در دنیای مدرن به شمار می‌رود. یکی دیگر از وسایل حفظ نظم و دیسپلین در جامعه در نهاد انسان قرار دارد و آن عبارت

از ایمان‌داری، صداقت‌کاری، خوف از خداوندﷻ و مجازات اخروی می‌باشد. اگر انسانی از ایمان قوی برخوردار باشد و به مرگ و روز آخرت یقین کامل داشته باشد، و بداند که از ذره ذره اعمال خود مورد بازپرس قرار می‌گیرد، این روحیه خود به پولیس نهانی مبدل می‌شود و صاحبش را وادار می‌سازد که از هر جرم و جنایتی خودداری ورزد.



مروری بر درس

• ....

• ....

• ....

• ....



سؤالات درس

۱- کدام عوامل باعث ایجاد بی‌نظمی در جامعه می‌گردد؟

۲- از عوامل مهم دیگری که بی‌نظمی را به بار می‌آورد، نام بگیرید.

۳- مهمترین عواملی که جهت کنترول نظم اجتماعی از آن استفاده می‌شود کدام‌ها اند؟

٤- قانون چیست؟

٥- اگر در جامعه‌یی قانون حکم فرما نباشد چه می‌شود؟

٦- یکی از پشتوانه‌های مهم قانون را بیان دارید.

۷- زندانی کردن مجرمان برای جامعه چه نفعی را به بار می‌آورد؟

۸- آیا پس از وسایل یاد شده دنیوی و فزیکی، وسایل معنوی‌یی هم وجود دارد که درحفظ و نظم جامعه کمک برساند؟



کارخانه‌گی

در مورد قانون اساسی و قانون مدنی کشور و تفاوت آن‌ها مقاله‌یی بنویسید که از دو صفحه کمتر نباشد.

انحرافات اجتماعی (۱)



مباحثه نمایید

سؤالات زیر را بخوانید و دربارۀ آن‌ها مباحثه نمایید:

۱-آیا شما کسی را دیده‌اید که از قواعد اجتماعی پیروی نکند؟

۲-چرا این طور افراد ارزش‌ها و قواعد اجتماعی را نقض می‌کنند؟

همان‌گونه که در درس‌های قبل خواندیم؛ در جامعه ارزش‌ها و قواعد فراوانی وجود دارد که روابط اجتماعی ما را نظم و نسق می‌بخشد. اکثر مردم از این ارزش‌ها و قواعد پیروی می‌کنند و به همین خاطر به طور معمول نظم و آرامش بر جامعه حکمفرما است.

از مردم انتظار می‌رود که همه ارزش‌ها و به خصوص ارزش‌های مهم جامعه را رعایت کنند؛ اما اگر وقتی بعضی از ارزش‌ها و قواعد کم اهمیت‌تر توسط بعضی از افراد نقض گردد، دیگران آن را تاحدودی نادیده می‌گیرند و در نتیجه مشکلی در نظم اجتماعی پیش نمی‌آید؛ اما اشخاصی در جامعه پیدا می‌شوند که بسیاری از قواعد را به دفعات نقض می‌کنند. جامعه و مردم در

مقابل این افراد سکوت نمی‌کنند و با استفاده از وسایل مختلف جلوی عمل آن‌ها را می‌گیرند. این طور افراد را مجرم، منحرف و کج‌رو، و عمل آن‌ها را جرم انحراف و کج‌روی می‌نامند. سؤالی که در این‌جا مطرح می‌شود این است که چرا بعضی از مردم مرتکب انحراف و جرم می‌شوند، در حالی که دیگران از اعمال انحرافی دوری می‌کنند؟ در این درس و درس بعدی جواب این سؤال را خواهیم یافت.

عوامل مختلف اجتماعی وجود دارد که باعث انحراف و جرم بعضی از افراد می‌شود. بعضی از مهم‌ترین عوامل انحراف و جرم را در درس زیر مورد بحث قرار می‌دهیم:

تعداد نفوس

اندازهٔ نفوس از جمله عواملی است که مشخص می‌کند که آیا نظم در جامعه مورد تهدید قرار گرفته است یا خیر؟ سازماندهی نفوس زیاد، همیشه مشکل‌تر از نفوس کمتر است؛ زیرا همان طوری‌که تعداد مردم افزایش می‌یابد، تماس روبه رو افراد مشکل می‌شود و وقت کافی برای دیدار، صحبت‌کردن و شناختن دیگران وجود ندارد. زمانی که تماس روبه رو کاهش یافت، کیفیّت عمل متقابل یعنی شدت هیجان، عاطفه و اعتماد متقابل کاهش می‌یابد.

بنابراین، احساس وابسته‌گی به دیگران کاهش یافته و امکان اعمال انحرافی را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، در درون جمعیت‌های کلان امکان تشکل گروه‌های جنایت کار و انحرافی وجود دارد، چرا که آن‌ها از جامعه فاصله گرفته‌اند و ضرورت به همبسته‌گی مجدد دارند. آن‌ها به طورمعمول جمعیت‌هایی کوچک را تشکیل می‌دهند و این جمعیت‌های کوچک طور اغلب فرهنگ کوچک و طریقهٔ زنده

گی خاص خود را به وجود می‌آورند.
اگر چه در رهنمودهای نبی کریم ﷺ به زیاد آوردن اولاد تشویق و ترغیب شده است؛ زیرا باعث کثرت امت اسلامی‌و افتخار پیغمبر ما در روز قیامت می‌شود، لیکن شارحین حدیث این تشویق را مقید به قید تربیه و اصلاح می‌دانند یعنی در صورتی که فرد توانایی این را داشته باشد که فرزندان خود را صحیح تربیه کند و به حیث شخصیت نیک در جامعه تقدیم نماید وگرنه تشویق و ترغیب شامل آنانی‌که قدرت تعلیم و تربیه فرزندان شان را ندارند نمی‌شود.
بیجا شدن: بیجا شدن و تغییر مکان نفوس تأثیر زیادی بر رفتار افراد دارد. بیجا شدن‌ها بعضاً داخلی است، که عدهٔ زیادی از مردم در درون یک کشور و سرزمین به دلایلی چون جنگ، قحطی یا سیل، از یک منطقه به منطقهٔ دیگر کوچ می‌کنند، برخی دیگر خارجی است، یعنی تعداد قابل توجهی از مردم نظر به بعضی دلایل از کشوری به کشور دیگر کوچ می‌کنند. وقتی‌که بیجا شدن‌های وسیعی صورت می‌گیرد، ارزش‌ها و قواعد تغییر نموده و روابط و طریقهٔ زنده‌گی تاحدودی دگرگون می‌شود.
تأثیر این تغییرات بر همه افراد یکسان نیست، بعضی افراد را زیادتر تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این‌جا است که رفتارهای انحرافی و کج‌روی بیشتر می‌شود.

تنوع نفوس

نفوس اکثر کشورهای جهان از گروه‌های قومی، مذهبی و لسانی مختلف تشکیل می‌شود. در صورتی که نفوس از گروه‌های زیاد و متفاوت تشکیل شود، احتمال رفتارهای انحرافی بیشتری وجود دارد.

به طور کلی، در صورتی که اندازهٔ نفوس با امکانات طبیعی تناسب نداشته باشد، مهاجرت و بیجاشدن جمعیتی صورت می‌گیرد. و اگر نفوس از لحاظ فرهنگی، قومی، مذهبی و لسانی یک‌نواخت باشد، امکان بیشتری وجود دارد که انحراف و جرایم در آن جامعه کمتر باشد. امّا در غیر این صورت، امکان دارد که بر رفتار افراد تأثیر گذاشته و عده‌یی را به انحراف و جرایم بکشاند.



مروری بر درس

• ____

• ____

• ____

• ____



سؤالات درس

۱- کدام اشخاص را مجرم ومنحرف می‌نامند؟

۲-کدام عوامل باعث می‌شود که افراد را به سوی انحراف و جرم سوق دهد؟

۳-آیا سازماندهی نفوس زیاد به مقایسهٔ نفوس کم مشکل‌تر است و یا خیر؟ در مورد نظرتان را بنگارید.

٤- ازدیاد نفوس چه تأثیری در نظم جامعه می‌گذارد؟



کارخانه‌گی

کدام اشخاص را شما مجرم و منحرف می‌خوانید؟ در این باره چند سطر بنویسید.

انحرافات اجتماعی (۲)



مباحثه نمایید

به نظر شما:

۱-چرا بعضی از مردم جرم می‌کنند؟

۲-چگونه می‌توان از انحراف و جرم جلوگیری کرد؟

در درس قبل تأثیرات، اندازه و کیفیت جمعیت بر انحراف اجتماعی را مورد بحث قرار دادیم.

در این بحث بعضی از نظریات مربوط به جرم و انحراف را توضیح می‌دهیم.

نظریه تحت فشار

یکی از جامعه‌شناسان می‌گوید که: «فرهنگ هر جامعه هم اهدافی برای مردم تعریف و تعیین می‌نماید و هم وسایل مشروع دسترسی به این اهداف را تعیین می‌کند. سطح بالای جرم زمانی پدید می‌آید که راه‌های مشروع دست‌یابی به این اهداف محدود باشند و این محدودیت بر کسانی که به وسایل مشروع دسترسی ندارند، فشار وارد می‌آورد».

به طورمثال: در جامعه‌یی خاص بر موفقیّت‌های شغلی و اقتصادی تأکید می‌شود؛ ولی وسایل قابل دسترسی برای به دست آوردن به این موفقیّت‌ها محدود است. در چنین جامعه‌یی از یک طرف افراد تحت فشار قرار دارند که به موفقیت‌های اقتصادی دست پیدا کنند و از طرف دیگر امکان دسترسی به آن امکان پذیرنیست. عده‌یی از جامعه‌شناسان می‌گویند؛ بعضی از مردم تحت این شرایط دست به جرم و انحراف می‌زنند، یعنی برای رسیدن به اهدافی که در جامعه تعیین شده، از وسایل نامشروع استفاده می‌کنند؛ بنابراین نظریه، برای

این‌که انحرافات کاهش یابد باید تلاش کرد که راه‌ها و وسایل مشروع رسیدن به اهداف اجتماعی را برای همه فراهم کرد.

نظریه تضاد

بعضی دیگر از جامعه‌شناسان عقیده دارند که اکثراً مردمی‌که مرتکب انحراف می‌شوند، کسانی‌اند که از قدرت و ثروت بیشتری برخوردارند آن‌ها به تقلب‌های سیاسی و اقتصادی بسیار بزرگ دست می‌زنند؛ ولی افراد فقیر ممکن است از مغازه یا خانهٔ اموال کم‌ارزشی را سرقت کنند.

با وجود آن‌که حجم و اندازهٔ انحراف صاحبان قدرت و مردم فقیر به هیچ وجه قابل مقایسه نیست، صاحبان قدرت و ثروت، انحراف و جرم را طوری تعریف می‌کنند که تنها انحراف مردم فقیر جرم تلقی می‌شود و انحراف خود آن‌ها از دایرهٔ تعریف بیرون می‌ماند و بدین ترتیب، ثروتمندان از عواقب انواع جرایمی که مرتکب می‌شوند، دراما‌ن می‌مانند؛ ولی فقرا به خاطر انحرافات جزیی سال‌ها در کنج زندان مانده و از لحاظ اجتماعی نیز بدنام می‌شوند.

طبق این نظریه، جرم در واقع از جملهٔ هر طبقه مردم انجام می‌شود ولی تنها فقرا و محرومین جزا می‌بینند.

نظریهٔ تاپه زدن

نظریه دیگری وجود دارد که می‌گوید وقتی کسی به هر دلیلی که باشد مرتکب یک انحراف شود، مردم او را به عنوان منحرف و مجرم می‌شناسند و به این ترتیب او را مجرم می‌شمارند. وقتی به طور مرتب او را به عنوان دزد، معتاد و یا مجرم خطاب کردیم، او باور می‌کند که واقعاً یک منحرف و مجرم است و او سعی خواهد کرد که کسانی مثل خود را بیابد و با آن‌ها معاشرت نماید. زمانی که به گروه منحرفان پیوست از مردم عادی بیشتر فاصله می‌گیرد و حتا می‌تواند به عنوان

یک مجرم حرفه‌یی دست به جرایم بیشتری بزند.

این نظریه به ما این نتیجه را می‌دهد که اگر کسی دچار یک انحراف شد نباید او را مجرم بدانیم الی این‌که مصلحت بزرگتری در آن نهفته باشد مثل عبرت دادن به دیگران و باز داشتن شان از ارتکاب جرم تنها به همین اساس حدود در دین اسلام مشروع و مجاز قرار داده شده است. به طور مثال: قطع کردن دست سارق (دزد) شلاق زدن شراب‌خور و زنا کار (غیر محصن) و غیره.

نظریهٔ انتقال

نظریهٔ دیگری که از قدیم در میان مردم نیز رواج داشت، می‌گوید انحراف بیشتر یادگرفتنی است. وقتی کسی، به ویژه در سنین کودکی، با افراد مجرم و منحرف معاشرت می‌کند، عادات آن‌ها را فرا می‌گیرد و انحراف و جرم را نه تنها کار بد و قابل سرزنش نمی‌داند؛ بلکه حتا ممکن است امری عادی و قابل تحسین بداند.

سعدی شیرازی این نظریه را به زیبایی خلاصه کرده است:

پسر نـوح با بـــدان بنشست	خـــاندان نبوتش گـم شد
سگ اصحاب کهف روزی چند	پی نیکان گرفت مردم شد

برای آن‌که از جرم و جنایت خودداری و توبه کرد؛ باید گروه هم‌نشین و دوستان خویش را تغییر داد و برای خود دوستانی صالح و خداترس انتخاب کرد، تا با کمک و همکاری و یاد دادن‌های ایشان از عرصهٔ گناه به دور ماند و ترس‌خدا ومؤاخذات اخروی برایش تلقین گردد و آن انگیزه‌یی برای جستجوی عرصهٔ کارهای نیک و دوری از کارهای زشت شود.



مروری بر درس

• ....

• ....

• ....

• ....

• ....



سؤالات درس

۱- منحرف چه کسی را می‌گویند؟
۲- کدام عوامل افراد را به سوی انحراف سوق می‌دهد؟
۳- نظریهٔ زیر فشار قرار گرفتن چیست؟ توضیح دهید.
٤- نظریهٔ مجرم دانستن چه معنا دارد؟
٥- نظریهٔ تضاد به چه چیزی اشاره می‌کند؟
٦- نظریهٔ انتقال چیست؟بیان دارید.



کارخانه‌گی

در بارهٔ این‌که چگونه می‌توان از انحراف وجرایم جلو گیری کنیم یک مقاله بنویسید که از یک صفحه کمتر نباشد و آن را در صنف بخوانید.

خلاصهٔ فصل دوم

• منظور از نظم اجتماعی در سطح محدود این است که افراد در جامعه به آسانی رفتارهای یکدیگر را می‌فهمند و از این رو آن‌ها می‌توانند رفتارهای یکدیگر را پیش‌بینی نموده و به آسانی با هم ارتباط بر قرار کنند.

• وقتی از نظم در سطح وسیع صحبت می‌کنیم منظور نظم در سازمان‌ها، نهادها و کل جامعه است.

• ارزش‌ها در زمینه‌های مختلف معیار قضاوت ما قرار می‌گیرند. بدون ارزش‌ها، مردم در برقراری ارتباط با یکدیگر دچار مشکل می‌شوند.

• افراد در یک جامعه با پذیرفتن ارزش‌ها و قواعد مشترک و با رعایت کردن آن‌ها در نقش‌های مختلف اجتماعی، از آشفته‌گی و هرج و مرج جلوگیری نموده و رفتارهای خویش را منظم می‌سازند.

• قانون، دستورالعملی است که توسط قوهٔ مقننه یا پارلمان تصویب می‌شود. بعضی از قوانین، ناظر به اعمال مردم و بعضی دیگر متوجه عملکرد حکومت است.

• اندازهٔ نفوس از جمله عواملی است که مشخص می‌کند که آیا نظم در جامعه مورد تهدید قرار گرفته است یا خیر؟ کنترول نفوس زیاد، همیشه مشکل‌تر از نفوس کمتر است.

فصل سوم

تغییرات اجتماعی

در این فصل پیرامون موضوعات زیر اطلاع حاصل می‌کنیم

- تغییرات اجتماعی چیست؟
- عوامل تغییرات اجتماعی (۱)؛
- عوامل تغییرات اجتماعی (۲).

اهداف فصل

شاگردان عزیز، بعد از خواندن این فصل:

- **با معنا و مفهوم تغییرات اجتماعی آشنا می‌شوید.**
- **مصادیق تغییرات اجتماعی را می‌شناسید.**
- **عوامل تغییرات اجتماعی را تشخیص می‌دهید.**
- **فواید و ضررهای تغییرات اجتماعی را در زنده‌گی خود، می‌شناسید.**
- **راه‌های کنترول تغییرات اجتماعی را می‌شناسید.**
- **به تغییر مثبت شرایط زنده‌گی خود علاقه‌مند می‌شوید.**

تغییرات اجتماعی چیست؟



فکر کنید و جواب بدهید

با وجود آن‌که بسیاری امور در جامعه برای سال‌های طولانی تقریباً ثابت و بدون تغییر باقی می‌ماند؛ اما بعضی از امور دچار تغییرات می‌شود. به نظر شما:

۱- تغییرات اجتماعی چیست؟

۲- چند مورد از این تغییرات را که خود شما دیده‌اید، بیان کنید.

آغاز تحول سریع اجتماعی:

در گذشته‌های دور، انسان‌ها زندگی نسبتاً یکنواختی داشتند و نسل‌های زیادی تقریباً به طور یکسان زندگی می‌کردند: یک نوع لباس می‌پوشیدند، یک نوع غذا می‌خوردند و از آداب و رسوم واحدی پیروی می‌کردند.

تغییراتی که در ابعاد مختلف زندگی مردم پیش می‌آمد بسیار کند و حتا غیرقابل مشاهده بود؛ اما از حدود قرن هفدهم میلادی به این طرف که صنعت و تکنالوژی رشد پیدا کرد، همهٔ ابعاد حیات بشر با سرعت زیادی شروع به تغییر نمود، طوری‌که امروز ما در معرض تغییرات سریع در همه ابعاد زندگی استیم اکنون هر نسلی در دنیای متفاوتی از نسل گذشته زندگی می‌کند و هر شخص در طول دوره زندگی خود باید مهارت‌های بیشتری را یاد بگیرد تا

بتواند در شغل و موقعیت اجتماعی خود باقی بماند. ما دیگر قادر نیستیم با علوم و مهارت‌هایی که در دوران کودکی و نوجوانی یادگرفته بودیم، به اهداف خود برسیم بلکه باید همواره بر تعلیم و مهارت‌های خود افزوده و خود را برای شرایط جدید آماده نماییم.

اهمیت و فواید تغییرات اجتماعی

بحث از تغییر اجتماعی چه فایده‌یی دارد؟ مهمترین فایدهٔ شناخت تغییرات اجتماعی این است که ما به عنوان اعضای یک جامعه نسبت به جریانات اجتماعی اطراف خود آگاه می‌شویم و همچنین از نقش خود در ایجاد این تغییرات و نیز از تأثیرات این تغییرات بر زنده‌گی خویش آگاهی کسب می‌نماییم.

چه نوع تغییراتی تغییرات اجتماعی نامیده می‌شود؟

دانشمندان علوم اجتماعی می‌گویند تغییر را زمانی می‌توان **اجتماعی** تلقی کرد که به جامعه تعلق داشته باشد نه به فرد. گاهی اوقات تغییراتی در زنده‌گی یک یا چند فرد روی می‌دهد ولی عموم مردم جامعه از آن متأثر نمی‌شوند، در این صورت تغییراجتماعی روی نداده است؛ ولی گاهی تغییر طوری است که اکثر مردم را متأثر می‌سازد؛ در این صورت این تغییر، اجتماعی به حساب می‌آید.

تغییرات اجتماعی می‌تواند در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی واقع شود؛ به طور مثال: انقلاب سیاسی و تبدیل نظام‌های سیاسی در کشور می‌تواند یک تغییر سیاسی محسوب شود؛ اما به یاد داشته باشیم، در صورتی که کودتایی صورت بگیرد و تنها فرد حاکم تعویض شود، بدون آن‌که نظام سیاسی تغییر کند، تغییر سیاسی صورت نگرفته است.

زمانی می‌توان از تغییر سیاسی یک کشور سخن گفت که در نظام سیاسی تغییراتی پیش آمده باشد. تغییرات سیاسی می‌تواند بدون انقلاب و توسط ریفورم و اصلاح نیز به وجود آید. در عرصهٔ اقتصاد اگر پروگرام توسعه در کشور طرح و عملی شود و در ظرف چند سال بخش اقتصاد رشد و پیشرفت چشم‌گیری نماید، می‌توان از تغییر در بخش اقتصاد سخن گفت؛ مثلاً: وضعیت زنده‌گی اقتصادی قشر بزرگی

از مردم دگرگون شود و مردم از حال فقر بیرون شده بهبودی‌های روشنی در این عرصهٔ رونما گردد.

نکتهٔ دیگری که لازم است دربارهٔ تغییر مطرح شود این است که تغییرات می‌تواند مثبت باشد و می‌تواند منفی باشد.

بعضی از تغییرات چنان‌که در مورد توسعهٔ اقتصادی مثال دادیم می‌تواند تغییر مثبت تلقی شود، چرا که پیامدهای آن برای عموم مردم مفید است؛ اما بعضی از تغییرات می‌تواند نتایج و پیامدهای زیان‌باری برای مردم داشته باشد؛ به طور مثال: جنگ‌های بعد از جهاد علیه متجاوزان، در کشور ما باعث تغییرات وسیعی در زنده‌گی مردم گردید و به طور عموم زیان‌آور و غیر مفید بود.

مظاهر و پدیده‌های تغییر اجتماعی

تغییرات اجتماعی عرصه‌های مختلف زنده‌گی را در برمی‌گیرد. امروز در جهانی که زنده‌گی می‌کنیم نحوه تقلدهای اجتماعی تغییر کرده است. خیلی از زبان‌های بین‌المللی به زبان‌های محلی مبدل گردیده و زبان‌های محلی به زبان‌های بین‌المللی مبدل گردیده است. تأثیرگذاری و تأثیرپذیری سرعت سرسام‌آوری یافته است. نقش مردم در تعیین سرنوشت شان توسعه یافته، وسایل علم آموزی بیشتر گردیده تقریباً همهٔ اقشار مردم به آن دسترسی پیدا کرده‌اند.

به هر صورت، تغییرات اجتماعی اگر کنترول و رهبری شود می‌تواند ماشین حرکت اجتماع را به سوی ترقی و تکامل رهبری کند، چون عدم وجود تغییر به معنای سکون جامعه و باقی‌ماندن در یک نقطه است. امیدواریم که با شناخت عوامل تغییرات اجتماعی که در درس‌های بعدی مطرح می‌کنیم، بتوانیم آگاهانه

تغییرات اجتماعی را کنترول و هدایت نماییم و به جای آن‌که اسیر و گرفتار آن‌ها شویم، از آن به نفع جامعه و کشور استفاده نماییم.



مروری بر درس

• ---

• ---

• ---

• ---

• ---



سؤالات درس

۱- تغییرات اجتماعی چه وقت سرعت پیدا کرد؟

۲- تغییر را تعریف نمایید.

۳- تغییر اجتماعی چیست؟ با مثال واضح سازید.

٤- انواع تغییر را نام بگیرید.

٥- تغییرات مثبت و تغییرات منفی را واضح سازید.

٦- موضوع تغییر اجتماعی را در چند سطر تحریر دارید.

۷- تغییر در عرصهٔ سیاسی چگونه رخ می‌دهد؟

۸- مظاهر و پدیده‌های اجتماعی را بیان نمایید.



کارخانه‌گی

دربارهٔ نتایج تغییرات مثبت در اقتصاد چند سطر بنویسید.

عوامل تغییرات اجتماعی (۱)



مباحثه کنید

با توجه به مطالب درس گذشته، دربارهٔ سؤالات زیر بحث کنید:

۱-ارزش‌های اجتماعی چه نقشی در تغییرات اجتماعی دارد؟

۲- آیا عامل دیگری را برای تغییرات اجتماعی می‌شناسید؟ توضیح دهید.

اصطلاح تغییر اجتماعی به طور عموم در مورد همهٔ تغییرات تاریخی جوامع انسانی به‌کار می‌رود و عبارت است از تغییراتی که در طول تاریخ در اصول زنده‌گی جامعه و ملت روی می‌دهد. این تغییرات از هزاران عامل داخلی و خارجی و نیروهایی که زایندهٔ شرایط داخلی و یا خارجی است به وجود می‌آید.

تغییر و تبدیل از خصوصیات همه فرهنگ‌های جهان است. بنابراین باید گفت که نحوهٔ تغییر، در جوامع پیشرفته و ابتدایی، زراعتی و صنعتی تفاوت دارد. به این معنا که در جوامع ابتدایی تغییرات به آرامی‌بیشتری صورت می‌گیرد. در حالی که در جوامع پیشرفته میزان تغییر و تبدیل تاحدزیادی بسته به

نیروهای تغییر دهنده‌یی است که در یک زمان خاص از آن کار گرفته می‌شود. خلاصه می‌توان گفت تغییر اجتماعی، تغییری است در ساخت اجتماعی که شامل تغییرات در حجم جامعه یا در نهادهای خاص اجتماعی و روابط بین نهادها به وجود می‌آید.

تغییرات اجتماعی تحت تأثیر عوامل متعددی صورت می‌گیرد. شناخت این عوامل و نحوهٔ ایجاد تغییر توسط آن‌ها می‌تواند برای ما به عنوان اعضای جامعه بسیار مفید باشد. در این درس بعضی از عوامل مهم تغییرات اجتماعی را می‌خوانیم.

ارزش‌ها و اعتقادات

یکی از عوامل مهم تغییر اجتماعی، ارزش‌ها، عقاید دینی و فرهنگی است. جامعه‌شناسان عقیده دارند که نیرومندترین عقاید، آن‌هایی هستند که به دین مربوط می‌شوند. چنان‌که می‌دانیم ظهور دین مبین اسلام تغییرات بسیار مهمی‌را در زنده‌گی مردمی‌که به این دین مشرف شدند، وارد ساخت. اسلام بخش وسیعی از کره زمین را دچار تحول و دگرگونی نمود. مردمی‌که به دین اسلام مشرف گردیدند، نظام‌های ظالمانهٔ سنتی خود را رها نموده و به دین رهایی‌بخش اسلام درآمدند. به مدت کمتر از یک قرن، تمدن درخشان اسلامی در جهان پدید آمد. همهٔ تغییراتی که در ملل اسلامی پدید آمد، از عقاید رهایی‌بخش اسلام تاثیر پذیر بودند. مثال دیگر، ظهور پروتستانتیزم، به عنوان مذهب جدیدی در مسیحیت، است. یکی از جامعه‌شناسان، در نتیجهٔ یک تحقیق مفصل نشان می‌دهد که پروتستانتیزم که یکی از مذاهب مسیحیت است، مردم را به کار سخت و پس‌انداز وادار کرد و در نتیجه به ظهور سرمایه‌داری و صنعتی‌شدن، منجر گردید. بنابراین، در این‌جا نیز دیده می‌شود که عقاید موجب تغییرات وسیعی در زنده‌گی بشر گردیده است. شماری از محققین به این باوراند که در واقعیت امر احیای مجدد غرب در اثر تعلیمات اسلامی‌به وجود آمده است که از طریق جنگ‌های صلیبی و حکومت‌های اسلامی‌در اندلس به آنجا انتقال گردید، حتا یک‌تن از اندیشمندان هسپانیوی اظهار داشته است: اگر جنگ میدان شهیدان به فرماندهی عبدالرحمن غافقی که در جنوب

فرانسه رخ داد، کامیاب می‌شد، جوامع غربی به تمدنی که دست یافته‌اند شش قرن پیشتر به‌آن می‌رسیدند.

تکنالوژی

یکی از مهم‌ترین منابع تغییر اجتماعی، تکنالوژی است. تکنالوژی عبارت است از شناخت یا تعلیم نحوه کنترول و اداره محیط. زمانی که انسان‌ها به علم جدید درباره نحوۀ جمع آوری منابع، طریقۀ تولید کالاها و خدمات، و طریقۀ توزیع آن‌ها دست پیدا کردند، کلیه روابط اجتماعی تغییر کرد. به یک مثال ساده در این زمینه توجه کنید: زمانی که مردم یک ده از گاو و قلبه برای تولید محصولات زراعتی استفاده می‌کنند، محصول آن‌ها اندک و زحمت و کار آن‌ها بسیار زیاد است. از این‌رو، افراد زیادی باید کار کنند تا محصول مختصری به دست بیاورند. ولی زمانی که تراکتور و سایر ماشین‌آلات زراعتی در این ده وارد می‌شود، کارگران کمی‌کافی است که با این ماشین‌آلات محصولات بسیار زیادی تولید کنند. در این صورت، در همۀ ابعاد زنده‌گی ساکنین این ده تغییر پدید خواهد آمد. در این صورت، افراد زیادی فرصت پیدا می‌کنند تا به کارهای دیگر و از جمله به فراگیری علم و دانش بپردازند. بنابراین، نوآوری و توسعه تکنالوژی جدید، باعث تغییرات بنیادی در جوامع انسانی می‌گردد.

نابرابری اجتماعی

یکی از منابع اصلی تغییراجتماعی، نابرابری و پیدایش گروه‌های طبقاتی، جنسیتی است. نابرابری در توزیع پول، قدرت، حیثیت، صحت، تحصیلات و دیگر منابع با ارزش ومؤثر، بین کسانی که دارای این منابع‌اند و کسانیِ‌که فاقد این منابع استند، اختلاف و تنش عمیق ایجاد می‌کند. این تنش ضرورتاً به کشمکش خشونت‌آمیز منجر نمی‌شود، ولی فشارهایی را بر روابط اجتماعی وارد می‌کند که سرانجام به تغییرات اجتماعی منجر می‌شود.

کسانی‌که منابع را در اختیار دارند تلاش می‌کنند تا از طریق تحکیم قدرت و همچنین با توسل به زور و اجبار، این منابع را حفظ کنند. غالباً کسانی که منابع مذکور را در اختیار ندارند، در مقابل صاحبان ثروت و قدرت کاری کرده نمی‌توانند ولی به شکایت می‌پردازند و بعضی اوقات شورش می‌کنند. با

این حال، هنگامی‌که محرومیت‌ها افزایش یابد و مردم بتوانند به سازماندهی خود بپردازند، تغییرات وسیعی در جامعه روی خواهد داد. هنگامی که نابرابری‌ها، فرهنگ‌های مجزایی را به وجود بیاورند که دارای نشانه‌های فرهنگی متحدکننده، تشکیلات اجتماعی دوام دار و دارای منابع مالی باشند، با وارد ساختن فشارهای سیاسی تغییراتی را ایجاد خواهد کرد. بنابراین، نابرابری مانند یک دیگ بخار فرهنگی و اجتماعی است که سرپوش آن را برای مدتی می‌توان محکم بست؛ اما با فشار اندک متراکم گردیده و موجب تغییر خواهد گشت. تغییر در این موارد عمدتاً خشونت‌بار و سریع است.

مروری بر درس

- ....
- ....
- ....
- ....
- ....

سؤالات درس

۱- عوامل تغییر را نام بگیرید.
۲- ارزش‌های اجتماعی چه رولی در تغییر اجتماعی دارد؟
۳- عقاید اجتماعی چه رولی در تغییر اجتماعی دارد؟
٤- تغییرات اجتماعی و تکنالوژیکی در غرب چگونه از فرهنگ اسلامی‌متأثر شده است؟
٤- تغییرات جزیی و بنیادی را چه طور تفکیک کرده می‌توانید؟
۵- تکنالوژی در تغییر اجتماعی چه نقش دارد؟

کارخانه‌گی

دربارۀ نابرابری و نقش آن در تغییرات اجتماعی چند سطر بنویسید و در صنف بخوانید.

عوامل تغییرات اجتماعی (۲)



فکر کنید و جواب دهید

خانواده‌یی را در نظر بگیرید که در آن چهار نفر زنده‌گی می‌کنند. بعد از چند سال تعداد آن‌ها به ده نفر می‌رسد. حالا بگویید که:

۱- در روابط آن‌ها چه تغییراتی پیش آمده است؟

۲- از لحاظ اقتصادی چه تغییراتی ممکن است در آن‌ها به وجود آمده باشد؟

بعضی از عوامل مهم تغییرات اجتماعی را در درس گذشته خواندیم و تعدادی دیگر را در این درس، از نظر خواهیم گذراند:

حجم نفوس

جریان‌های و تحول نفوس می‌تواند فشارهای زیادی را برای ایجاد تغییر وارد سازد. هنگامی که حجم نفوس افزایش می‌یابد، اشکال جدیدی از تولیدات اقتصادی برای خوراک، مسکن، پوشاک و شهرنشینی وسیع‌تر، ضرورت پیدا می‌کند. غالباً نمونه جدید سازمان حقوقی و سیاسی، برای قانونی ساختن و کنترول توده‌های ناآرام، ضرورت پیدا می‌کند. ایجاد مکاتب جدید و مثال‌های جدید تعلیم و تربیه، برای اجتماعی‌کردن نسل جوان، ضرورت می‌یابد و این ضرورتِ تغییر، همچنان به پیش می‌رود. بنابراین، رشد نفوس خواهان جواب‌های اساسی و تغییر می‌باشد. در مقابل یک جمعیت رو به کاهش نیز می‌تواند فشارهایی برای تغییر به وجود آورد ولی باسرعت کمتری. هنگامی که تعداد نفوس کاهش می‌یابد کارگران کمتری در بخش اقتصاد و اطفال

کمتری در مدارس وجود خواهد داشت. ساختار، سنّ ونفوس نیز، فشارهایی برای تغییر وارد می‌کند: جمعیتی که نسل جوان نسبت به نسل مسن آن رو به کاهش است، مشکلاتی را به وجود خواهد آورد. چنان‌که در ایالات متحده و بیش‌تر کشورهای اروپایی چنین می‌باشد، که این مشکلات ناشی از یافتن عواید کافی مالیاتی برای حمایت از افراد مسن می‌باشد. در مقابل جامعه‌یی که از نفوس فراوان جوان برخوردار است، چنان‌که در مورد اغلب جوامع آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا چنین است، با مشکلاتی در جهت ایجاد وظایف، مکاتب، مدارس و ارایه خدمات اجتماعی به نسل جوانی که در حال رشد اند، مواجه خواهد شد وضعیتی که بیشتر مشروعیت رهبران سیاسی را تضعیف کرده و در نتیجه، تغییراتی را در نهادهای سیاسی ایجاد می‌کند.

مهاجرت و جابه جایی نفوس

مهاجرت به درون و به بیرون یک جامعه و به مناطق کلیدی آن (مانند پایتخت) نیز تأثیرات زیادی بر ساختار اجتماعی دارد. مهاجرت به بیرون نیز بر جامعه اثر می‌کند، به خصوص اگر طبقه معینی از اتباع، جامعه را ترک کنند. اگر نیروی کار تحصیل‌کرده و حرفه‌یی مهاجرت کند که به آن «فرار مغزها» گفته می‌شود اقتصاد، حکومت و مکاتب، به صورت زیان‌آوری، تحت تأثیر قرار خواهند گرفت. همچنین، اگر کارگران دست مزد کار، مهاجرت کنند و کمبود نیروی کار را پدید آورند، مشکلات دیگری را به دنبال خواهند داشت، گرچه وقتی فقرا کوچ می‌کنند، اغلب مهاجرت آن‌ها موجب کاسته شدن فشار بر حکومت، مدارس و سایر نهادها می‌شود.

در مورد اثرات مهاجرت چه می‌دانید؟

مهاجرت از نقطه‌یی به نقطه دیگر هم بالای مهاجران وهم بالای گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی که این مهاجران در داخل آن، جا به جامی‌شوند اثر مثبت و منفی را به بار می‌آورد. از لحاظ تاریخی پر معناترین نتیجهٔ مهاجرت اشاعهٔ فرهنگ بوده است. انتشار وحدت فرهنگی وقتی صورت می‌گیرد که مهاجران با باشنده‌گان اصلی وصلت می‌کنند و نسل‌های جدید از آمیزش آن‌ها به وجود می‌آید. اختلاط بیولوژیکی

همیشه، یکی از اثرات مهاجرت بوده است. خواه به صورت غلبهٔ اقوام مهاجر، خواه به صورت مهاجرت صلح آمیز یا در پوشش عملیات استعمار گرانه اثرات مهاجرت در داخل جامعه‌های بزرگ، توسعهٔ شهرها، توسعهٔ فرهنگ شهرنشینی بوده‌است. خلاصه جامعه‌یی نیست که عاری از تغییر و عوامل تغییر دهنده باشد. حتا غیرفعال‌ترین اجتماعات در معرض تغییر قرار دارند. از یک حالتی به حالت دیگر تغییر می‌کنند. مهمترین تغییر، عبارت انداز: عوامل نفوس، ساختار تکنالوژی، زیربنای اقتصادی، ارزش‌ها، ایدیولوژهای، تضادها عاملان تغییر، ممکن است افرادی چون: رهبران و روشنفکران باشد. تغییر، همواره با بعضی مقاومت‌ها مواجه است که به طور معمول شدیدترین این مقاومت‌ها ممکن از نهادهای مهم ناشی گردد سنتی بودن رفتار سبب استمرار و دوام آن می‌شود و در نتیجه کندتر تغییر می‌کند.

مروری بر درس

- ....
- ....
- ....
- ....
- ....

سؤالات درس

١- نفوس چیست و در مسائل اجتماعی چه نقشی دارد؟
٢- چند نوع از مهاجرت را نام بگیرید.
٣- مهاجرت چیست و عوامل آن چه می‌باشد ؟
٤- دربارهٔ اثرات مهاجرت بالای تغییرات در جامعه توضیح بدهید.
٥- عقاید مذهبی در تغییر اجتماعی چه نقش دارد؟

کارخانه‌گی

چند عامل تغییر اجتماعی را لیست نموده در صنف بخوانید.

خلاصهٔ فصل سوم

• اصطلاح تغییر اجتماعی به طور کلی در مورد همه دگرگونی‌های تاریخی جوامع انسانی به کار می‌رود و عبارت است از تبدیلات و دگرگونی‌هایی که در طول تاریخ در اصول زنده‌گی جامعه و ملتی روی می‌دهد.

• تغییر عمومی‌دگرگونی است که در همهٔ نظام‌های اجتماعی صورت می‌گیرد، یا به عبارت دیگر در صورتی که در نظام اجتماعی همه چیز تغییر کند و هویت آن تغییر یابد، در این صورت تغییر عمومی‌صورت می‌گیرد.

• تغییر اجتماعی از تاثیر چندین عامل به هم پیوسته یا مجموعه از عوامل است که هم زمان به صورت متعادل عمل می‌کند و هر کدام متقابلاً به روی هم اثر می‌گذارند.

• هر جایی که عناصر جدید و عناصر نو در فرهنگ ظاهر شود و همین طور محتوا و ساخت فرهنگ را تغییر دهد، تغییر فرهنگی رخ می‌دهد.

• عقاید، مفاهیم عمومی‌و مهم دربارهٔ جهان و ماهیت جامعه هستند که مردم درستی آن‌ها را به عنوان واقعیت قبول دارد.

• اصطلاح مهاجرت به حرکت اشخاص از دولت موطن خود به دولت دیگر گفته می‌شود و به عبارت دیگر مهاجرت به حرکت مردم از یک نقطه جغرافیایی به نقطه دیگر اطلاق می‌شود.

فصل چهارم

نابرابری‌های اجتماعی و نشانه‌های آن

در این فصل درس‌های ذیل را می‌آموزیم:

- نابرابری اجتماعی چیست؟
- نابرابری طبقاتی؛
- نابرابری جنسیتی.

اهداف فصل

شاگردان عزیز، بعد از خواندن این فصل:

- **مفهوم و مصادیق نابرابری اجتماعی را می‌شناسید.**
- **با انواع نابرابری‌های اجتماعی و عوامل آن‌ها آشنا می‌شوید.**
- **عواقب و پیامدهای نابرابری اجتماعی را می‌شناسید.**
- **با راه‌های کاهش نابرابری اجتماعی آشنا می‌شوید.**
- **با مفهوم عدالت اجتماعی آشنا می‌شوید.**
- **به عدالت اجتماعی علاقه‌مند می‌شوید.**

نابرابری اجتماعی چیست؟





فکر کنید و جواب دهید

مردمی‌که در یک جامعه زنده‌گی می‌کنند، به طور مساوی از منابع با ارزش اجتماعی، مانند ثروت، قدرت و منزلت، بهره‌مند نیستند. به نظر شما:

۱- چرا همهٔ مردم به طور مساوی از ثروت و قدرت برخوردار نیستند؟

۲- آیا این تفاوت و نابرابری عادلانه است، یا خیر؟ دلایل خود را بیان کنید.

در جوامع بشری افراد و گروه‌ها به طور عموم به گونه مساوی از مال و ثروت، قدرت سیاسی و مقام و احترام اجتماعی برخوردار نبوده و نیستند. بعضی از گروه‌ها به خاطر تعلقات اقتصادی، سیاسی، قومی، مذهبی وغیره از امتیازات بیشتری برخوردارند و بعضی دیگر از ابتدایی‌ترین امتیازات نیز محروم‌اند.

منشأ توزیع نابرابر منابع اساسی گاهی اوقات تفاوت طبیعی افراد است و گاهی ساختار غیرعادلانه اجتماعی و اقتصادی. به طور مثال: توزیع غیر عادلانه منابع اساسی گاهی به خاطر آن است که افرادی از توانمندی‌های فکری و فزیکی بیشتری نسبت به دیگران برخوردارند. به طور مثال: دو نفر بر روی دو قطعه زمین مشابه کار می‌کنند ولی یکی از آن‌ها به دلیل کار و تلاش بیشتر و پروگرام بهتر، سالانه دو یا چند برابر نسبت؛ به نفر دیگر محصول

می‌گیرد. اما گاهی به خاطر تفاوت در توانمندی‌های افراد نیست بلکه به خاطر آن است که عده‌یی به گروه خاصی تعلق دارند که به طور غیرعادلانه از امتیازات زیاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برخوردارند و عده‌یی دیگر به گروهی تعلق دارند که از این امتیازات محروم استند.

این تفاوت‌ها و نابرابری‌ها زمانی "اجتماعی" نامیده می‌شود که منشأ آن نه تفاوت‌های فردی؛ بلکه تفاوت‌های اجتماعی باشد.

گرچه همه جوامع از نوعی نابرابری برخوردار است ولی اگر این نابرابری به خاطر تفاوت‌های اجتماعی باشد، دین مبین اسلام و عقل سلیم انسانی آن را نمی‌پذیرد. برخی از مهم‌ترین نشانه‌ها و آثار تفاوت‌های اجتماعی قرار ذیل است:

میزان فاصله اجتماعی

شکاف یا فاصله اجتماعی میان طبقات، گروه‌های نژادی یا جنسی در جوامع مختلف متفاوت است. گاهی فاصله میان آن‌ها خیلی زیاد نیست و در نتیجه تفاوت میان آن‌ها نیز اندک می‌باشد؛ ولی گاهی بسیار زیاد است. منظور ما از فاصله اجتماعی میزان برخورداری گروه‌های مختلف از ثروت، قدرت و منزلت اجتماعی است. در بعضی از جوامع، تعداد اندکی از مردم زیادترین منابع ثروت و قدرت را در اختیار دارند و توده‌های وسیعی از مردم از کمترین اندازۀ منابع که ضرورت‌های اولیه زنده‌گی آن‌ها را هم تأمین نمی‌کند، برخوردارند. نظر به وضعیت، فرهنگ و سبک زنده‌گی گروه ممتاز و سایر مردم نیز بسیار زیاد تفاوت می‌کند. در این صورت فاصله اجتماعی وسیع است. اما اگر تفاوت زیادی میان مردم وجود نداشته باشد، در آن‌صورت فاصله اجتماعی اندک است.

تحرک اجتماعی

تحرک اجتماعی به جابه‌جا شدن افراد در مقام‌ها و موقعیت‌های اجتماعی گفته می‌شود؛ به طور مثال: کسی که در یک خانواده دهقان متولد شده، اگر بتواند با

تلاش شخصی و تحصیلات مناسب به پست‌های عالی‌رتبه نظام اداری برسد، آن جامعه از تحرک اجتماعی برخوردار است؛ ولی اگر جامعه به کسانی که در خانواده‌های پایین متولد می‌شوند اجازه بالارفتن از سلسله‌مراتب اجتماعی را ندهد، تحرک اجتماعی در آن جامعه وجود ندارد. میزان تحرک اجتماعی نیز می‌تواند کم یا زیاد باشد.

جوامعی که تحرک اجتماعی در آن زیاد است، از نابرابری کمتری برخوردار است و یا به سوی کم‌کردن نابرابری پیش می‌رود، چون به افراد اجازه می‌دهد که در سلسله‌مراتب اجتماعی جابجا شده و خود را ارتقا دهند؛ ولی جوامع بسته که به افراد اجازه جابه‌جاشدن نمی‌دهد، دارای نابرابری بسیار شدید می‌باشد. بنابراین، عدم تحرک اجتماعی یکی از نشانه‌های مهم نابرابری اجتماعی است. نابرابری‌ها در اکثر اوقات انقلاب‌های وسیع را در عموم جامعه پدید می‌آورند؛ ولی بیشتر نزاع‌های جدی را میان کسانی که از منابع خاصی برخوردار اند و کسانی که از آن منابع محروم‌اند، ایجاد می‌کنند.

همان‌طورکه نظریه‌های کشمکش تأکید می‌ورزند اکثریت جالب‌ترین حوادث اطراف ما از قبیل تظاهرات کارگری، مطالبهٔ حقوق مساوی برای زنان، تضادهای نژادی و قومی از نابرابری‌ها به وجود می آید. جنبش‌های اجتماعی که خواهان تغییرات اند از قبیل جنبش کارگری، جنبش حق رأی برای زنان، جنبش حقوق مدنی همه در جواب به نابرابری‌ها به وجود آمده و گسترش یافته‌اند. اکثراً جنگ‌ها و خشونت، بخشی از این جنبش‌ها همچون عواملی برای تغییر و نیز عواملی برای کنترول اجتماعی، قلمداد می‌شوند. اسلام از چهار صد سال به این سو به عنوان دینی برتر عمل کرده و عوامل نابرابری‌های اجتماعی را ریشه کن نموده است. در اسلام تمام افراد جامعه از حقوق مساوی و عادلانه برخوردار

اند به طور مثال: در اسلام آزاد نمودن غلام جزیی از شعایر دین پنداشته شده و کفارهٔ بعضی از گناهان از جمله روزه خوردن عمدی قلمداد گردیده است. هم‌چنان در اسلام میان عرب و عجم هیچ تفاوتی موجود نیست حتا آنانی که از نگاه سیاسی در قلمرو اسلام قرار داشتند ولی خود مسلمان نبودند، از تمام حقوق شهروندی برخوردار بودند.



مروری بر درس

- ....
- ....
- ....
- ....
- ....



جواب به سؤالات

۱- نابرابری را تعریف نمایید.

۲- آیا انسان‌ها قادراند جامعه‌یی که در آن هیچ نوع نابرابری وجود نداشته باشد بسازند؟

۳-چطور می‌توانیم نابرابری را کاهش بدهیم.

٤- اگر درجامعه نابرابری‌ها تشدید یابد چه پیامدهایی خواهد داشت.

٥- اسلام با نابرابری‌ها چگونه مبارزه می‌کند؟



کارخانه‌گی

در محیط پیرامون خود ببینید که کدام نابرابری‌ها وجود دارد و آن را لست نمایید.

نابرابری طبقاتی



مباحثه نمایید

با توجه به درس قبلی

۱- چه نوع نابرابری‌هایی را در محیط خود می‌شناسید؟

۲-به نظر شما این نابرابری‌ها قابل قبول است یا نه؟ دلیل خود را بیان کنید.

یکی از انواع مهم نابرابری، به‌ویژه در جوامع پیشرفته، نابرابری ناشی از طبقات اجتماعی است. گرچه تعاریف متفاوتی از طبقه اجتماعی ارائه شده ولی می‌توان گفت که طبقه اجتماعی دسته‌هایی از مردم استند که در اثر تفاوت در دسترسی به منابع مادی جامعه تشکیل می‌یابد و به همین خاطر تفاوت‌هایی، در سبک زنده‌گی و فرهنگ آن‌ها نیز پدید می‌آید. این تعریف ضرورت به توضیح بیشتری دارد: زمانی که مردم از ثروت، قدرت و مقام متفاوتی برخوردار استند، کسانی که از یک نوع امتیازات برخوردار‌اند با هم روابط اجتماعی برقرار می‌کنند و با کسانی که از امتیازات خیلی متفاوتی برخوردار شده‌اند کمترین روابط را برقرار می‌کنند. این روابط از معاشرت‌ها و مهمانی‌ها

گرفته تا ازدواج‌ها و روابط خونی و خویشاوندی را در بر می‌گیرد بدین ترتیب، هر دسته‌یی از مردم که سطح خاصی از امتیازات را در اختیار دارند دارای نوعی سبک و طریقهٔ زنده‌گی و فرهنگ می‌باشند که با کسانی در سطوح بالا یا پایین قرار دارند، متفاوت اند؛ بنابراین، هر گروه از مردم که از امتیازات نسبتاً مساوی و فرهنگ و سبک زنده‌گی مشابهی برخورداراند، یک طبقه نامیده می‌شود. و همان طوری‌که توضیح داده شد، وجود طبقات به معنی نوعی نابرابری اجتماعی میان مردم یک جامعه است.

طبقات در جوامع مدرن دارای خصوصیاتی است که به خاطر اهمیتی که دارد، بعضی از آن‌ها را اندکی توضیح می‌دهیم:

فاصلهٔ طبقاتی

در جوامع مترقی امروزی با وجود آن‌که فاصلهٔ طبقاتی وجود دارد ولی مرز طبقات خیلی آشکار و واضح نیست. به عبارت دیگر، میان طبقات مختلف یک جامعه مرز خیلی واضح و آشکار کشیده نشده است بسیاری از افراد استند که به طور دقیق معلوم نیست که به طبقهٔ بالا تعلق دارند یا به طبقهٔ پایین، در حالی که در جوامع عنعنوی این مرز خیلی واضح و روشن است.

تمرکز ثروت

گرچه در جوامع پیشرفته همه مردم از کمترین امکانات ضروری برخوردار اند؛ ولی سرمایهٔ بسیار غیرعادلانه توزیع شده است؛ به عنوان مثال: بنابر مطالعه‌یی که در سال ۲۰۰۷میلادی در آمریکا انجام شد، نشان می‌دهد که در حدود ۳۹ فیصد سرمایهٔ این کشور در دست تنها یک درصد جمعیت قرار داشته و جمعیت باقیماندهٔ

این کشور مالک بقیهٔ سرمایه بوده است. چنان‌که می‌دانیم، وقتی ثروت چنین غیرعادلانه توزیع شده باشد، قدرت و منزلت اجتماعی، که با ثروت رابطهٔ بسیار نزدیک دارد نیز به همین صورت توزیع خواهد شد. طوری‌که ملاحظه گردید، در جوامع طبقاتی با وجود آن‌که حداقل امکانات زنده‌گی برای اکثریت قاطع مردم تأمین می‌گردد؛ ولی ثروت، قدرت و منزلت به صورت کامل غیرعادله توزیع می‌گردد.

استثمار همه جانبه

به دلیل خصوصیاتی که برای جوامع طبقاتی مدرن برشمردیم، در این جوامع نوعی استثمار آرام، ملایم ولی بسیار عمیق و وسیع وجود دارد. یک اقلیت محدود که امکانات و منابع با ارزش جامعه را در دست دارد، اکثریت جامعه را هم از لحاظ اقتصادی، هم از لحاظ سیاسی و هم از جهت فرهنگی تحت استثمار خویش قرار می‌دهد. ایجاد نظام دایمی‌نابرابری از چند لحاظ به سود گروه مسلط است. نخست، امتیازاتی را که گروه پیش از آن داشته حفظ می‌کند. بدین ترتیب نظام حکومت و قانون، چنانچه زیر نفوذ شدید ثروتمندان و قدرتمندان باشد، به حفظ دارایی و امتیازات آن‌ها در برابر دیگران درجامعه کمک خواهد کرد. دوم، گروه مسلط را در موقعیت مساعدی برای وظایف، تعلیم و تربیه، و مسکن قرار می‌دهد. سوم، به نخبه‌گان امکان می‌دهد تا از کسانی که در موقعیت‌های پایین قرار دارند به عنوان کارگر، اجیر و مصرف کننده‌استفاده کنند، بدین ترتیب زنده‌گی را آسان‌تر کرده و ثروت خود را افزایش دهند. بعضی از علما، معتقد اند که نظام نابرابری موقعیت ممتاز قدرتمندان را حفظ می‌کند، نفوذ رقابت‌آمیز آن‌ها را افزایش می‌دهد و به آن‌ها امکان می‌دهد، کسانی را که

در موقعیت‌های پایین استند، استثمار کنند. اسلام از اولین روزهای که در شبه جزیرۀ عربستان ظهور نمود بر نظام طبقاتی خط بطلان کشید. بادار و برده را در یک صف قرار داد، میان ابوبکر و عمر و علی و ابوعبیده و مصعب بن عمیره (رضی الله عنهم) که از جملۀ عرب‌های ثروتمند و شریف جامعه بودند و میان بلال و یاسر و سمیه و عمار و صهیب (رضی الله عنهم) که از طبقۀ فقیر و برده گان بودند، برابری آورد. اسلام از همان آغاز معیار برتری را تقوی، علم و فضایل اخلاقی اعلان نمود. و به‌این شکل تمام مظاهر نابرابری را جاهلی و غیر انسانی دانست.



مروری بر درس

- ....
- ....
- ....
- ....



سؤالات درس

۱-طبقه را تعریف نمایید.

۲-فاصلۀ طبقاتی چیست؟ توضیح دهید. فردی که به طبقۀ پایین، تعلق دارد چطور می‌تواند خود را به بالاترین طبقه برساند؟

۳-استثمار چیست؟ کدام طبقه تحت استثمار قرار می‌گیرد؟ توضیح دهید.

٤- اسلام با نابرابری‌های اجتماعی و نظام طبقاتی چگونه مبارزه کرده است؟

٥- معیار فضیلت و برتری در اسلام چیست؟



کارخانه‌گی

چند موردی که علت نابرابری‌ها در جامعه می‌شود لست نموده و در صنف بخوانید.

نابرابری جنسیتی



فکر کنید و جواب دهید

طوری‌که می‌دانیم، نیمی از جامعهٔ بشری مرد و نیمی دیگر زن است. به نظر شما:

۱-زنان و مردان به صورت مساوی از امتیازات برخوردارند؟

۲-اگر نوعی از نابرابری جنسیتی موجود باشد، آن‌را توضیح دهید.

جنسیت چیست؟

جنسیت یعنی دفاع و جانب‌داری از حقوق زنان و عقیده به برابری زن و مرد در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مبارزه برای رفع تبعیض، تحقیر، توهین و ستم به زنان.

هدف از مسألهٔ جنسیتی برآورده نمودن و سپردن حقوق مساویانهٔ زن و مرد در حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است، تا نابرابری جنسیتی از بین برود. جنسیت در همهٔ سطوح جهان اجتماعی دیده می‌شود. جنسیت تشکل اندیشیدن دربارهٔ خود و بر قرار کردن ارتباط با دیگران است و تأثیر زیادی در تعیین نوع کار و زندگی خانواده و جامعه دارد.

جنسیت تعیین کنندهٔ سلسله مراتب اجتماعی است؛ زیرا در اکثر جوامع، بخش عمدهٔ منابع اجتماعی را تحت کنترول خود دارد، جنسیت اشاره به معنای اجتماعی مرد بودن و زن بودن دارد.

خداوندﷻ انسان را از دو جنس مرد و زن آفریده است. یکی از نشانه‌های حکمت خداوند ﷻ این است که در همه جوامع تعداد زن و مرد تقریباً مساوی است. زنان و مردان در طول تاریخ یک نوع تقسیم کار داشته‌اند: زنان عمدتاً به کارهای داخل خانه و تربیت اطفال مصروف بودند و مردان به کارهای بیرون از خانه و تهیه و تدارک مواد خوراکی می‌پرداختند. به دلیل آن‌که کار خانه در عین دشواری، درآمد قابل **ملاحظه**یی نداشت مقام اجتماعی زنان روز به روز

تنزل یافت و توانایی و شایسته‌گی آن‌ها کمتر از مردان در نظر گرفته شد و به همین خاطر در همه جوامع کارهای مهم و با صلاحیت در دست مردان قرار دارد. امروز در همهٔ فرهنگ‌های جهان زنان مقام متناسب با مردان ندارند و زنان به طور معمول به کارهایی وادار می‌شوند که درآمد و اعتبار کمتری دارد.

بعضی‌ها فکر می‌کنند که محرومیت زنان از فرصت‌های شغلی بالا به دلیل آن است که زنان از توانایی فکری و فزیکی کمتری برخوردارانند و همین کارهایی که به‌طور عنعنوی به زنان سپرده شده مناسب‌ترین کارها برای آن‌ها است. واقعیت این است که زنان و مردان از نظرحیاتی تفاوت اندکی دارند و تفاوت‌های یادشده باعث نمی‌شود که زنان را از همه فرصت‌های ترقی و پیشرفت محروم سازیم. دین مبین اسلام نیز زنان را مانند مردان انسان می‌داند.

اسلام تفاوت میان زن و مرد را به رسمیت می‌شناسد ولی بی‌عدالتی در حق زن یا مرد را به هیچ وجه نمی‌پذیرد. تاریخ اسلام شاهد حضور قوی زنان در عرصه‌های مختلف زنده‌گی بوده است. زنان در فتوحات اسلامیو غزوات پیامبر صلی اله علیه وسلم اشتراک داشته اند. در روایات آمده است که حضرت فاطمه الزهرا و شماری دیگر از زنان مسلمان در جنگ‌های احد و حنین و غیره شرکت جسته اند. همچنان در عرصهٔ کار فرهنگی و ملی حضور قوی داشتند از میان زنان کسانی بروز نمودند که در مسایل علمیدانشمند گردیدند. به طور نمونه حضرت عایشه (رضی الله عنها) یکی از راویان بزرگ حدیث به حساب می‌آید. و خود در مسایل فقهی دیدگاه و نظریه به خصوصی دارد. همچنان زنان مسلمان در طول تاریخ در امور سیاسی نقش برازنده‌یی داشته اند؛ ولی آن چه از تبعیضی که در جوامع اسلامیمیان زن و مرد به چشم می‌خورد علتش به جهل مردم نسبت به تعالیم اسلامیو عدم تربیت سالم دینی بر می‌گردد.

در این‌جا به عواقب و پیامدهای منفی نابرابری جنسیتی می‌پردازیم. گرچه نابرابری جنسیتی پیامدهای منفی بسیار زیادی برای افراد و جوامع در پی دارد، ما در این‌جا

به طرح بعضی از مهمترین آن‌ها بسنده می‌کنیم:

عقب‌مانده‌گی جامعه: زنان کلید انکشاف خانواده، جامعه وجهان اند. انکشاف آن متضمن انکشاف عمومی‌است. طوری‌که دیده می‌شود اکثر زنان در افغانستان بی‌سواد اند و از پروسه‌های انکشافی دور می‌باشند واضح است که حرکت آرام این اکثریت بی‌سواد از سرعت حرکت کاروان ملی در راه توسعه و انکشاف ملی می‌کاهد.

کشمکش اجتماعی

در گذشته زنان و مردان تابع عرف و سنت‌های اجتماعی بودند، و هر کس کاری را انجام می‌داد که عرف و فرهنگ جامعه برایش تعیین کرده بود؛ ولی امروز در اثر گسترش تعلیم و تربیت و توسعه ارتباطات و رسانه‌ها وضعیت خیلی فرق کرده است. امروز همه می‌دانند که زنان می‌توانند مانند مردان تحصیلات عالی و مشاغل پرعاید داشته باشند و برای ارتقای ظرفیت و کسب مقام‌های اجتماعی از توان و نیروی عقلی خوبی برخوردار استند. از این‌رو، آن‌ها می‌خواهند از وضعیت تبعیض‌آمیز برآمده و به ارتقای‌ظرفیت و کسب مشاغل پردرآمد بپردازند و تمام تلاش خود را برای دسترسی به این هدف به کار می‌برند؛ بنابراین قبل از همه باید به انکشاف زنان که تهداب گذاران نسل‌ها و زمینه‌سازان انکشاف‌اند توجه جدی مبذول گردد

مروری بر درس

- ....
- ....
- ....
- ....



سؤالات درس

۱. نابرابری چیست؟
۲. جنسیت چیست؟
۳. آیا در جهان در تعداد زنان و مردان تفاوت موجود است؟
٤. چرا زنان نسبت به مردان در اکثریت نقاط جهان از منافع اساسی اجتماعی محروم‌اند؟
٥. زنان در اسلام از چه موقعیتی برخوردارند؟
٦. علت نابرابری و تبعیض میان زن و مرد در جوامع اسلامی‌چیست؟
۷. نابرابری جنسیتی چه پیامدها ی در قبال دارد؟بیا ن دارید



کارخانه‌گی

چند سطر درمورد وضعیت اجتماعی زنان افغانستان بنویسید.

خلاصۀ فصل چهارم

• **نابرابری‌های اجتماعی به معنای عام به تفاوت‌های میان افراد یا مقام‌ها که به صورت اجتماعی تعریف شده و افراد آن را اشغال کرده‌اند، اشاره می‌کند.**

• **طبقه اجتماعی عبارت است از گروه‌هایی از مردم که در اثر تفاوت در دسترسی به منافع مادی جامعه تشکیل می‌یابد و به همین خاطر تفاوت‌هایی در سبک زنده‌گی و فرهنگ آن‌ها پدید می‌آید.**

• **دین مبین اسلام تفاوت‌های قومی‌و نژادی را مایه هیچ نوع امتیازی نمی‌داند و امتیاز انسان‌ها را تنها بر اساس تقوی و پرهیز گاری می‌داند.**

• **هدف از مسایلی جنسیتی برآوده نمودن و سپردن حقوق مساویانه زن و مرد در حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است، تا نابرابری جنسیتی از بین برود.**

• **باید در انکشاف زنان که تهداب‌گذاران نسل‌ها و زمینه‌سازان توسعه و انکشاف‌اند توجه جدی مبذول گردد..**

فصل پنجم

مشکلات اجتماعی ما

در این فصل مطالب زیر را می‌آموزیم:

بی‌سوادی؛

فقر و بی‌کاری؛

مسکن؛

صحت و تداوی؛

مواد مخدر؛

ناامنی و دهشت‌افگنی؛

مواد منفجرناشده.

اهداف فصل

شاگردان عزیز، شما بعد از خواندن این فصل:

اهمیت سواد را می‌دانید و به زدودن بی‌سوادی از جامعه علاقه‌مند می‌شوید.

فقر و بی‌کاری و نتایج منفی آن‌ها را می‌شناسید و به تلاش و کوشش وادار می‌شوید.

با مشکل کمبود مسکن آشنا گردیده و راه‌های بیرون رفت از آن را می‌شناسید.

مشکلات ناشی از مواد مخدر، مواد انفجاری منفجرناشده، ناامنی و کمبود خدمات صحی را دانسته و با راه‌های مقابله با آن‌ها آشنا می‌شوید.

مشکلات اجتماعی ما: بی‌سوادی

فکر کنید و جواب دهید

زنده‌گی در دنیای جدید ضرورت به تعلیم و تربیه دارد. چنانچه خداوند(ج) در قرآن کریم می‌فرماید:

(اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ* خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ*اقْرَأْ وَرَبُّکَ الأَکْرَمُ الَّذِی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ* عَلَّمَ الْإِنسَانَ مَا لَمْ یَعْلَمْ*)

ترجمه: بخوان به برکت نام پروردگار خود که آفریده* آفریده آدمی‌را از خون بسته* بخوان و پروردگارتو کریم است* آن‌که علم آموخت به وسیلهٔ قلم* علم آموخت به انسان به آن چیزی که او نمی‌فهمید.



کسانی که تعلیم نکرده باشند بی‌سواد نامیده می‌شوند. با توجه به این واقعیت:

۱- اگر کسی سواد نداشته باشد، با چه مشکلاتی مواجه می‌شود؟

۲- درجامعه‌یی که تعداد زیادی از نفوس‌آن بی‌سواد باشد با چه مشکلاتی مواجه می‌گردد؟

انسان‌ها مدت‌های زیادی بر روی زمین زنده‌گی کردند؛ ولی خواندن و نوشتن را نمی‌دانستند. در آن زمان زنده‌گی انسان‌ها بسیار ساده و ابتدایی بود. در آن زمان تجارب نسل‌های گذشته به صورت عملی و شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردید و اعضای جدید جامعه مهارت‌ها و فنون مورد ضرورت خود را در جریان زنده‌گی روزمره یاد گرفتند. در آن زمان هیچ‌گونه پروگرام خاصی برای آموزش وجود نداشت؛ بی‌سوادی همیشه مانع بزرگی در جریان تکامل

جوامع بشری است؛ بنابراین گفته می‌توانیم که بی‌سوادی یک مرض مهلک و دشمن درجه یک بشریت، مشکل عمده در مسیر تکامل ترقی، پیشرفت، انکشاف و توسعهٔ جوامع بشری به خصوص کشورهای جهان سوم و عقب‌مانده محسوب می‌شود. محو کامل آن امر ساده و عادی نبوده؛ بلکه یک جریان مغلق و پیچیده بوده و به همکاری وسیع ملی و بین‌المللی ضرورت دارد. اگر چه مبارزه با این مرض مهلک مستلزم کار و پیکار اساسی و وسیع می‌باشد. در این استقامت از طرف کشورها و سازمان‌های ملی و   بین المللی به‌خاطر محو بی‌سوادی در سطح جهان اقداماتی صورت گرفته است.

امروزه در کشورهای پیشرفته، همهٔ مردم با سواداند؛ حتا افرادی که نابینا و ناشنوا اند نیز با سواد استند. در کشور ما حدود ده میلیون هموطن ما از نعمت سواد محروم بوده و هم‌اکنون پنج میلیون طفل کشور از رفتن به مکتب دور مانده‌اند. بعضی از مهم‌ترین مشکلاتی که از این ناحیه برای کشور ما پیش می‌آید. عبارت‌اند از: فقر، جهل، عقب مانده‌گی اجتماعی، اقتصادی، اعتیاد، روی‌آوردن به جرم و جنایت.

ملتی که از نعمت سواد و تعلیم محروم است همیشه محتاج به کشورهای قدرتمند است. پس بر کشورهای فقیر لازم است تا توجه خود را به علم و سواد معطوف و در توسعهٔ مکاتب توجه نمایند، زیرا مکتب محرک اصلی توسعه و جلوگیری از فقر و عقب مانده‌گی تلقی می‌گردد. در عصرحاضر با پیشرفت علم و تکنالوژی و با صنعتی و زراعتی شدن کشورهای جهان این کشورها به نیروی انسانی و کارگر ماهر و با سواد در مزارع، فابریکه‌ها و صنایع ثقیله و خفیفه بیشتر ضرورت دارند. بنابراین کشورها سعی و تلاش می‌نمایند تا افراد جامعه با سواد شوند؛ زیرا افراد بی‌سواد نمی‌توانند به وجه احسن در مزارع و در فابریکه‌ها در امر توسعه و پیشرفت صنعتی و زراعتی به صورت درست و مفید کار و فعالیت کنند.

سواد وسیله مهم و اساسی برای هر نوع آموزش است. سواد یک عنصر ضروری،

برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. واضح است که شخص بی‌سواد نمی‌تواند مشکلات‌های اجتماعی خود را به صورت بهتر حل نماید. به خود، فامیل و جامعه خود مصدر خدمات شایسته گردد. افرادی‌که دارای سواد کامل استند جامعه و محیط اطراف خود را درک می‌کنند و مشکلات خود و جامعه را می‌یابند. گر چه به طور عموم سواد را به معنای توانایی خواندن و نوشتن می‌دانند؛ ولی واقعیت این است که سواد به معنای توانایی خواندن، نوشتن و درک متن‌های نوشته‌شده است. درک متن به این معنا است که فرد باید توانایی‌های زبانی خوب و دانش عمومی کافی داشته باشد؛ این توانایی تنها از طریق درس خواندن در مکتب به‌دست می‌آید.

فقر و عقب‌مانده‌گی: یکی از ابتدایی‌ترین پیامدهای بی‌سوادی، فقر است. در جوامع معاصر اکثر کارها و مشاغل ضرورت به سواد و مهارت مسلکی دارد. به این دلیل، اگر کسی سواد نداشته باشد، نمی‌تواند کار مناسب و درآمد کافی داشته باشد. وقتی که اکثر اعضای جامعه بی‌سواد یا کم‌سواد باشد؛ علاوه بر فقر این افراد، عموم جامعه نیز دچار فقر خواهد شد، چون بخش مهمی از عاید دولت را مالیات، عشر و زکات، خمس و صدقات واجبه و نافله تشکیل می‌دهد.

وقتی که مردم فقیر باشند، دولت نیز دچار کاهش عواید بیت‌المال و مالیات خواهد شد، در نتیجه امکانات عمومی جامعه از قبیل راه، شفاخانه، مکتب، نفقهٔ بیوه‌ها، یتیمان، نابینایان، ناشنوایان، معلولان، علما و کسانی که در خدمت مردم مصروف کاراند؛ مانند: مأمورین دولت، قاضی‌ها، معلمان، داکتران و غیره که شریعت اسلام مصارف شان را در بیت‌المال مقررکرده کاسته خواهد شد. پارک‌های تفریحی و مانند اینها کم و فاقد امکانات خواهد گردید. همچنین، کارخانه‌ها و تولیدات در چنین کشوری نمی‌تواند رشد کند. در نهایت، کشور دچار فقر و عقب‌مانده‌گی شدید خواهد شد.

اعتیاد: جامعهٔ بی‌سواد به خاطر فقر و جهل بیشتر به دام هیولای اعتیاد گرفتار می‌شود. بی‌سوادی و جهل با فقر و در نهایت اعتیاد رابطهٔ بسیار نزدیکی دارند. لذا سرمایه‌گذاری در بخش تعلیم و تربیت و توجه به کیفیت آموزش بسیار مفید و نتیجه‌بخش است. لازم به یادآوری است که نتایج سوء بی‌سوادی بسیار وسیع و گسترده است و مواردی که ما در این جا بحث کردیم تنها نمونه‌هایی از آن‌هاست.



مروری بر درس

- --
- --
- --
- --
- --



سؤالات درس

۱- بی‌سوادی چیست؟

۲- سواد را تعریف نمایید، در کشور ما چند فیصد زنان و مردان خواندن و نوشتن را یاد ندارند؟

۳- بی‌سوادی در کشور ما چه مشکلاتی را به‌بار می‌آورد؟ توضیح دهید.



کار خانه‌گی

یک شخص بی‌سواد را با یک شخص باسواد مقایسه کنید و در این‌باره چند سطر در کتابچه‌های خود نوشته کرده و در صنف بخوانید.

مشکلات اجتماعی ما: فقر



مباحثه نمایید

سؤالات ذیل را با دقت خوانده و جواب بگویید:

۱- چرا انسان فقیر می‌شود؟

۲- فقر چه تأثیراتی بر زنده‌گی انسان می‌گذارد؟

۳-چطور از فقر جلوگیری کنیم؟

انسان ضرورت به خوراک، پوشاک، مسکن و بسیاری از مواد و وسایل دیگر دارد تا بتواند زنده‌گی کند.

خداوند مهربان همهٔ مواد مورد ضرورت بشر را در طبیعت قرار داده و به انسان فکر و توان کافی داده که آن‌ها را استخراج و مطابق با احتیاجات خود از آن‌ها استفاده نماید. اگر شرایط به‌طوری فراهم گردد که انسان بتواند از فکر و استعداد خود کارگرفته و منابع طبیعی را برای رفع احتیاجات خویش استخراج و بهره‌برداری نماید، دچار فقر و تنگدستی نمی‌شود؛ ولی اگر انسان تن به تنبلی دهد و یا موانع طبیعی یا اجتماعی دیگری پیش بیاید که نتواند از این نعمت‌های الهی استفاده نماید، فقیر و تنگدست می‌شود.

فقر چیست؟ فقر عبارت است از نداشتن ضرورت‌های اولیه که انسان به آن‌ها ضرورت دارد. فقر یکی از مصیبت‌هایی است که در طول تاریخ، بشر را رنج داده و می‌دهد. طوری‌که رسول الله ﷺ می‌فرمایند قریب است که فقر به کفر منتهی شود، بنابراین، جواب به این سؤال که **چرا انسان فقیر می‌شود**؟ بسیار مهم است، چون که با پیدا کردن جواب این سؤال می‌توان فهمید که ما چرا فقیر استیم. گرچه عوامل بسیار زیادی برای فقر وجود دارد که بررسی همه آن‌ها در این جا ممکن نیست؛ ولی به طور کلی می‌توان آن‌ها را به سه بخش عمومی تقسیم کرد:

عوامل فردی

عوامل فردی که خود انواع مختلفی دارد، به آن بخش از عوامل گفته می‌شود که ریشهٔ آن در خود فرد است؛ به طور مثال: بعضی از مهم‌ترین عوامل فردی فقر عبارت‌انداز:

۱) تنبلی و تن‌ندادن به کار و کوشش

۲) بی‌سوادی و نادانی که باعث ناتوانی انسان در زنده‌گی می‌گردد.

۳) نداشتن مهارت لازم برای انجام دادن کارهای مهم و پرعاید.

٤) معیوب و ناقص بودن عضو یا اعضای بدن که مانع از کار و تلاش می‌گردد در صورتی که انسان به یک یا چندتا از عوامل فوق مبتلا گردد در تأمین زنده‌گی شخصی خویش دچار مشکل گردیده و فقیر خواهد شد.

عوامل طبیعی

گرچه خداوند مهربان، نیازمندی‌های ما را در طبیعت آفریده است؛ ولی این نعمات به طور مساوی در طبیعت توزیع نشده است؛ به طور مثال:

۱) بعضی از زمین‌ها خیلی حاصل‌خیز است و بعضی دیگر حاصل چندانی نمی‌دهد؛

۲) بعضی از مناطق معادن و منابع گران‌بها دارد؛ مانند: طلا، آهن، نفت و گاز، ولی مناطقی از زمین عاری از این گونه معادن گران‌بها. علاوه بر این، بعضی از حوادث طبیعی؛ مانند: سیل، خشکسالی و توفان نیز می‌تواند باعث ویرانی‌ها و نابودی اموال و ثروت مردم گردد. با توجه به تفاوت‌های یادشده، کسانی که در مناطق حاصل‌خیز سکونت دارند می‌توانند با زحمت اندک حاصل فراوانی به دست‌آرند؛ ولی مردمی که در مناطق غیرحاصل‌خیز ساکن استند باید زحمات زیادی بکشند تا حاصل کمی‌به دست آورند. همچنین، کشورهایی که معادن طلا، آهن، نفت و گاز در اختیار دارند می‌توانند با فروش آن‌ها تعلیم و تربیت خود را ارتقا دهند، امکانات عمومی را افزایش دهند و صنایع و زراعت خود را توسعه دهند. در حالی که کشورهای دیگر از این گونه نعمات طبیعی محروم‌اند. پس برخورداری از زمین حاصل‌خیز، آب و هوای مناسب و معادن گران‌قیمت باعث ثروت و نداشتن آن‌ها باعث فقر و تنگدستی می‌گردد.

عوامل اجتماعی

در کنار عوامل یادشده، عوامل اجتماعی نیز در دسترسی و عدم دسترسی انسان به نعمت‌های طبیعی مؤثر است. ثروت و امکانات طبیعی از طریق مکانیزم اقتصادی خاص هر جامعه توزیع می‌شود.

اگر این سیستم عادلانه و به دور از تعصب و تبعیض باشد، افراد بر اساس سهمی‌که دارند از امکانات و منابع موجود مستفید می‌شوند، ولی اگر نظام اقتصادی و اجتماعی عادلانه نباشد افراد خاصی بیشترین استفاده جویی را از امکانات موجود خواهند کرد و دیگران به دلایل ناموجهی از آن‌ها محروم خواهند شد. جامعه‌یی به رفاه و ثروت دست پیدا می‌کند که هر فردی بر اساس شایسته‌گی‌ها و توانایی‌های خود از امکانات و منابع جامعه مستفید شود. در جامعهٔ عادلانه حتا برای کسانی که به دلایلی چون نقص عضو یا پیری نمی‌توانند کار کنند، نیز سهمی در نظر می‌گیرند و به آن‌ها نیز رسیده‌گی می‌شود.
یکی از عوامل عمدهٔ فقر در جامعه استقرار سیاسی و اجتماعی و امنیتی است. جامعه‌یی که از استقرار و آرامش سیاسی برخوردار نبود مردم با مشکلات فراوان امنیتی مواجه گردیده، تمام استعدادهای قوی صرف زد و بندها گردیده تمام برنامه ریزی‌ها در راستای تقویت پایه‌های سیاسی خود و مخالفین منحصر می‌ماند، در نتیجه همه افراد جامعه مبتلا به فقر می‌شوند. همان‌سان در صورتی‌که در جامعه استقرار اجتماعی نبود مردم همواره از شهری به شهر دیگر در فرار و کوچ می‌باشند. این حالت قدرت ابتکارات امور معیشتی را از ایشان می‌گیرد. و اگر از جامعه امنیت رخت بربست هیچ تصور تقویت بنیهٔ اقتصادی در اذهان شکوفه نمی‌کند.
کشور ما که دارای تاریخ درخشان و طبیعت سرشار از منابع طبیعی قیمتی می‌باشد، باتاسف اکنون یکی از فقیرترین کشورهای جهان به حساب می‌رود. مهمترین عوامل فقر کشور ما در این مرحلهٔ تاریخ عبارت‌انداز:
۱) **جنگ‌های طولانی**: مردم ما برای دفاع از دین و سرزمین خود تقریباً سه دهه به جهاد و جنگ‌های داخلی گرفتار گردید. در این مدت نه تنها هیچ کاری برای رشد، و توسعهٔ کشور صورت نگرفت؛ بلکه سرمایه‌های موجود ملت نیز نابود گردید. زیربناهای اقتصادی کشور، از قبیل کارخانه‌ها و تأسیسات اقتصادی در بخش‌های صنعت، زراعت و سایر بخش‌ها به طور عمومی‌نابود شد.
۲) **از بین رفتن نظم و انضباط اداری، اجتماعی و فرهنگی در طی سال‌های بحران:** از بین رفتن این نظم وانضباط باعث هرج و مرج در رفتار مردم گردیده و مانع فعالیت‌های اقتصادی باثبات گردید.

۳) **بی‌سوادی و نادانی**: در طیِ سال‌های نا امنی مکاتب کشور، تعطیل بود و این امر باعث گردید که یک نسل تقریباً به طور کامل بی‌سواد و یا کم‌سواد باقی بماند.
فائق آمدن براین مشکل ضرورت به یک عزم ملی دارد که در رأس آن باید دولت جمهوری اسلامی افغانستان به عنوان نهادی که از قدرت و ارادهٔ ملت، نماینده‌گی می‌کند، طرح‌های واقع‌بینانه را آماده نموده و با کمک همه‌جانبه ملت آن را اجرا نماید. تا این ملت که مستحق یک زنده‌گی مرفه و آبرومندانه است، از فقر و تنگدستی که باعث خفت و خواری است، نجات یابد.



مروری بر درس گذشته

• ....
• ....
• ....
• ....
• ....



سؤالات درس

۱- عوامل فردی فقر را نام ببرید.
۲- عوامل طبیعی فقر کدام‌اند؟
۳- عوامل اجتماعی فقر را توضیح دهید.
٤- چرا کشور ما گرفتار فقر شده است؟
٥- چگونه باید فقر را از کشور خود ریشه‌کن نماییم؟



کارخانه‌گی

اگر بخواهید سطح عاید خانواده خود را بالا ببرید:
۱- آیا منابع دیگری در اختیار دارید که بتوانید از آن‌ها استفاده نمایید؟
۲- آیا شغل دیگری را برای بعضی از اعضای خانوده پیشنهاد می‌کنید؟
۳- آیا بعضی از اعضای خانواده ضرورت دارند که مهارت‌های جدیدی را یاد بگیرند؟
دربارهٔ سؤالات فوق با اعضای بزرگ خانواده مشورت نموده و جواب‌ها را در کتابچهٔ خود نوشته و به مکتب بیاورید.

مشکلات اجتماعی ما: خانه و مسکن

مقایسه کنید

همهٔ ما ضرورت به مسکن داریم. اکثر ما در خانه و بعضی نیز در خیمه یا غژدی زنده‌گی می‌کنیم. به نظر شما:

۱- چرا انسان به مسکن ضرورت دارد؟

۲- اگر مسکن نداشته باشیم، چه می‌شود؟

۳- باید چه کنیم که همهٔ ما مسکن مناسب داشته باشیم؟



انسان حتا در دوره‌های بسیار قدیم برای خود مسکن انتخاب می‌کرد. او برای حفاظت از سرما و گرما در آن زنده‌گی می‌نمود. با پیشرفت علم و تکنولوژی بشر، مسکن نیز تفاوت کرد و علاوه بر تأمین احتیاجات ضروری محافظت انسان، جنبه‌های زینتی نیز مورد توجه قرار گرفت؛ همچنین، در جوامع مختلف خانه‌ها مطابق با فرهنگ و ارزش‌های دینی و فرهنگی به طرق متفاوتی ساخته شد.

با وجود پیشرفت‌های زیادی که بشر در عرصه‌های مختلف زنده‌گی به دست آورده و خانه‌های بسیار مجلل، مجهز و دارای وسایل رفاهی ساخته‌اند، کمبود مسکن هنوز یکی از مهم‌ترین مشکلات بشر به شمار می‌رود. حتا در پیشرفته‌ترین کشورهای جهان، تعداد زیادی از خانواده‌ها خانهٔ شخصی مناسب ندارند و مجبورند هر ماه مبلغ قابل توجهی از عاید خود را برای کرایه

ومصارف خانه بپردازند. ملت ما به دلایل مختلف جزو کشورهایی است که کمبود مسکن از مشکلات جدی آن به شمار می‌رود. بعضی از مهم‌ترین دلایل کمبود مسکن در شهرهای مهم کشور عبارت‌انداز:

مهاجرت

در طی سال‌های جهاد، جمعیت زیادی از روستا وشهرها به کشورهای دور و نزدیک مهاجرت کردند. بعد از سال ۱۳۸۱ هـ ش. که محیط نسبتاً امنی در کشور به وجود آمد، عده زیادی از هموطنان مهاجر به کشور خود بازگشتند و به جای اقامت در دهات و شهرهای کوچک خود، عمدتاً در پایتخت و سایر شهرهای کلان کشور سکونت گزیدند. اکنون در این شهرها، به ویژه کابل، جمعیت چند برابر بیشر از ظرفیت آن زنده‌گی می‌کند.

راه حل‌های مشکلات خانه و مسکن

دولت می‌تواند با تطبیق ماسترپلان دست داشته و نقشه‌هایی که برای شهرها تهیه نموده اند اقدام نماید. دولت باید نخست برای هر شهر نقشه مناسب تهیه نماید و زمین‌ها را به متقاضیان توزیع نماید تا مردم مجبور نشوند به طور خودسرانه و بدون هیچگونه نقشه به ساختن خانه اقدام نمایند. چون در چند دهۀ گذشته در کشور ما جنگ ادامه داشت و ویرانی‌های زیادی را به بار آورد. باتوجه و کوشش دولت در طی سال‌های اخیر و تلاش‌ها وطرح‌هایی که داشت بازهم نظر به مشکلاتی که موجود بود این مشکل بزرگ اجتماعی تا هنوز حل نگردیده است. مشکل مسکن یک مشکل جدی کشور بوده که با طرح و تطبیق پروگرام‌هایی برای حل این مشکل از سوی دولت و با همکاری مردم صورت گرفته می‌تواند.

قیمت بودن مواد تعمیراتی

بیش‌تر مواد تعمیراتی ما از کشورهای همسایه وارد می‌گردد. تولیدات داخلی ما در سال‌های گذشته به شدت آسیب دیده و هنوز بازسازی صورت نگرفته است. مواد تعمیراتی وارداتی نیز به دلیل ناامنی، خرابی راه‌های مواصلاتی وبی توجهی، به شدت گران است. این در حالی است که مردم ما به دلیل بی‌کاری و نابسامانی اقتصادی کشور توانایی خرید مواد قیمتی و ساختن خانۀ مناسب را ندارند؛ علاوه بر شهرها در دهات کشور نیز تعداد زیادی از مردم خانه و سرپناه ندارند.

کسانی که زمین ندارند به طور طبیعی از داشتن خانه نیز محروم‌اند. خانه‌های دهاتی به طور اغلب از امکانات صحی و رفاهی لازم برخوردار نیستند و تنها مانع حرارت و برودت می‌گردند؛ بنابراین، مشکل کمبود خانه اختصاص به شهرها ندارد و شامل دهات نیز می‌گردد.

اکنون چه باید کرد؟

برای حل این مشکل و دسترسی همه‌یی هموطنان به مسکن مناسب، هم دولت و هم مردم باید تلاش کنند. کارهایی که دولت باید انجام دهد عبارت‌انداز:

۱- تهیه ماسترپلان برای شهرهای کشور

دولت باید نقشه‌های شهرها را آماده نماید تا مردم بتوانند با قیمت مناسب یا رایگان زمین به‌دست‌آورند و اقدام به اعمار نمایند.

۲- ارائه خدمات عمومی

دولت باید برای همه کشور به ویژه مناطق مسکونی خدمات عمومی، از قبیل آب، سیستم دفع فاضلاب، برق، تلیفون، سرک و کوچۀ پخته فراهم سازد.

۳- ایجاد بلاک‌های مسکونی

یکی از کارهای مهم که باید توسط دولت انجام شود، این است که خانه‌های ارزان ولی مجهز بسازد و به مردم واگذار نماید. یکی از بهترین راه‌های تهیهٔ خانه ارزان تأسیس بلاک‌های مسکونی است. بلاک اگر با طرح و نقشه خوب ساخته شود، امکان زنده‌گی آرام نفوس زیادی را در فضای اندک میسر می‌سازد.



مرور بر درس

- ....
- ....
- ....
- ....
- ....



سؤالات درس

۱- مهمترین دلایل کمبود مسکن را در کشور توضیح دهید.

۲- دلایل مهاجرت مردم کشور ما را ذکر کنید؟

۳- برای این که مردم خانه‌های خودسر آباد نکنند، دولت کدام کارها را برای مردم باید انجام دهد.

٤- دولت و کمپنی‌های خانه‌سازی برای رفع مشکل کمبود خانهٔ مردم کدام کارهای را انجام دهند تا مردم بی‌بضاعت ما صاحب‌خانه (اپارتمان) شوند؟

٥- پیشنهاد شما برای رفع کمبود مسکن چیست؟ بنویسید.



کارخانه‌گی

با همکاری والدین مشکلات اجتماعی در زمینهٔ اسکان را در چند سطر تحریر دارید.

مشکلات اجتماعی ما: صحت و تندرستی

مباحثه نمایید

صحت یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است. سؤالات زیر را به دقت بخوانید و دربارهٔ آن‌ها باهم گفتگو کنید :

۱- چرا صحت و سلامتی برای ما اهمیت دارد؟

۲-اگر سلامتی خود را از دست بدهیم، دچار چه مشکلاتی می‌شویم؟

۳- باید چه کرد که سالم مانده و مریض نشویم؟



مرض همیشه یکی از مهمترین مشکلات بشر بوده است. هر کدام ما در طول عمر خود بارها به امراض ساده و یا دشوار مبتلا می‌شویم و سرانجام اکثر ما توسط بیماری‌ها جان خود را از دست می‌دهیم. علاوه بر این، گاهی امراض ساری بر انسان‌ها حمله می‌کند و تعداد زیادی از مردم به سبب آن نابود می‌شوند. انسان‌ها در گذشته بارها گرفتار امراض ساری خطرناک گردیده و به طور گسترده نابود گردیده‌اند. بعضی از مردم توسط وبا و طاعون به طور کامل نابود شدند.

پیامدهای که مرض به انسان می‌رساند عبارت‌انداز:

۱) ایجاد درد و رنج؛

۲) مانع شدن از فعالیت روزمره؛

۳) مصرف پولی که انسان برای معالجه می‌پردازد؛

٤) مرگ و نابودی انسان؛

۵) کاهش نفوس: در صورتی که مرض ساری باشد و انسان نتواند از آن جلوگیری نماید، مرض می‌تواند نفوس انسانی را در یک منطقه به شدت کاهش داده و یا به کلی نابود کند.

با وجود آن‌که مرض به طور کامل اجتناب‌پذیر نیست؛ ولی امروز بسیاری از مرض‌ها قابل جلوگیری و درمان می‌باشد. طوری‌که رسول الله ﷺ فرموده است: خداوند ج□ل□□□ ج□لا□ل□ه□هیچ مرضی را پیدا نکرده مگر آنکه برای آن دوایی را نیز آفریده است. پس، از دوا استفاده کنید. بسیاری از امراض که روزانه هزاران نفر را در طی مدت کوتاهی نابود می‌کرد، امروز به آسانی قابل درمان و تداوی می‌باشد.

بنابراین، امروز مسألهٔ مهم‌تر برای ما این است که باید در نخست شرایط زنده‌گی خود را طوری بسازیم که به مرض مبتلا نشویم و سپس اگر احیاناً گرفتار مریضی شدیم، باید بتوانیم خود را تداوی کنیم و در اثر امراض قابل علاج نابود نشویم. مردم ما باتاسف یکی از آسیب‌پذیرترین مردم دنیا در برابر امراض و بیماری‌ها می‌باشند. مهم‌ترین مشکلاتی که مردم ما در این زمینه دارند عبارت‌انداز:

سوء تغذیه

نخستین شرط صحت انسان این است که خوراک و غذای کامل و صحی داشته باشد. در صورتی که انسان به صورت کامل تغذیه نشود، بدن رشد و فعالیت طبیعی خود را نداشته و در مقابل امراض مقاومت خود را از دست خواهد داد. سوء تغذیه در کشور ما به خاطر فقر شدید، بسیار زیاد است. تا وقتی که مردم از سوء تغذیه رنج ببرند، نمی‌توان امید داشت که آن‌ها صحت کامل داشته باشند.

استفاده از مواد خوراکی غیرصحی: خوراک انسان باید صحی باشد. اگر انسان از غذای غیرصحی استفاده نماید دچار انواع امراض می‌شود. در کشور ما به خاطر کمبود وسایل حفظ و نگهداری مواد غذایی، بسیاری از مواد غذایی قبل از آن‌که به دست مردم برسد فاسد و غیرقابل خوردن می‌گردد. این مواد فاسد موجب امراض مختلف در میان مردم می‌گردد؛ علاوه براین، رستورانت‌ها و دست‌فروشان مواد غذایی نیز از سوی وزارت صحت عامه کمتر تحت نظارت قرار می‌گیرند و اغلب آن‌ها اصول صحت و سلامت را مراعات نمی‌کنند.

محیط و هوای آلوده: محیط و هوای پاک یکی دیگر از شرایط زنده‌گی سالم است. شهرهای ما به دلیل خاکی و خراب بودن سرک‌ها و کوچه‌ها، از کثیف‌ترین و آلوده‌ترین شهرهای جهان به حساب می‌رود. موجودیت شمار زیاد وسایط نقلیه در شهرها و فعالیت وسایط دودزا، استفاده از تیل‌های بی‌کیفیت و ده‌ها عوامل دیگر باعث آلوده‌گی هوا گردیده که تنفس هوای آلوده بالای صحت و سلامتی کهن‌سالان، جوانان و اطفال تأثیر منفی گذاشته و ساکنین شهرها را به امراض مختلف گرفتار می‌سازد. طوری‌که اجتماع در انکشاف شهر و فامیل در رشد طفل رول دارد، محیط زیست هم در انکشاف طفل رول دارد. در افغانستان زیادترین مرگ ومیر را اطفال تا سن پنج ساله‌گی دیده است، بیشترین این اطفال از سبب امراض ساری و همچنان در اثر امراض تنفسی، سوء تغذیه، ملاریا و سرخکان از بین می‌رود. اسهال از آب آلوده و مواد آلوده یی که در محیط زیست وجود دارد و امراض تنفسی از آلوده‌گی هوا به وجود می‌آید که سبب مرگ و میر اطفال می‌گردد. منبع شیوع ملاریا، آب‌های گندیدۀ استاده بوده که توسط پشۀ ملاریا به انسان انتقال می‌گردد. به همین قسم منبع سایر امراض ساری محیط زیست ناپاک می‌باشد. دولت و مردم دربارۀ حفاظت محیط زیست سالم توجه جدی نمایند و مسایل صحت و محیطی و جلوگیری از آلوده‌گی هوا را در اولویت کاری خویش قرار دهند.

کمبود امکانات صحی و تداوی: با وجود همهٔ مشکلاتی که در زمینه صحت داریم، کلینیک‌ها و شفاخانه‌های معیاری نیز در کشور بسیار کم است. اگر سایر امکانات موجود باشد، داکتر متخصص بسیار کم داریم. به همین خاطر است که سالانه هزاران نفر برای تداوی به کشورهای همسایه و منطقه می‌روند. مطابق مادهٔ ۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی‌افغانستان: دولت وسایل وقایه و علاج امراض و تسهیلات صحی رایگان را برای همه اتباع مطابق به احکام قانون تأمین می‌نماید.



مرور بر درس

- ....
- ....
- ....
- ....
- ....



سؤالات درس

۱- بعضی از امراض ساری را تحریر دارید.

۲- کدام ضررها از مرض به انسان می‌رسد؟ فهرست نمایید.

۳- چطور می‌توانیم خود را از امراض وقایه کنیم؟

٤- سوء تغذیه چیست؟

٥- استفاده از مواد خوراکی غیر صحی چه تأثیری بر بدن دارد؟



کارخانه‌گی

هوای آلوده چه تأثیر بر ارگانیزم بدن دارد؟

مشکلات اجتماعی ما: تولید، قاچاق و اعتیاد به مواد مخدر

به نظر شما

بعضی از افراد صحت و سلامتی خود و دیگران را با تولید و قاچاق مواد مخدر به خطر می‌اندازند. به نظر شما:

۱- استعمال مواد مخدر چه ضررهایی برای ما دارد؟



۲- آیا مواد مخدر یک مشکل بزرگ کشور ماست؟ چگونه؟

۳- تولید، قاچاق و استعمال مواد مخدر چه عواقب فردی و اجتماعی یی را در پی دارد؟

٤- چگونه می‌توان این مشکل را از بین برد؟

مواد مخدر امروزیکی از مهم‌ترین مشکلات کشور ما، منطقه و جهان به شمار می‌رود.

در سال‌های جنگ و بحران گروه‌های مختلف زمینهٔ فعالیت خود را در افغانستان مساعد دیده و از فقدان کنترول دولت بر مناطق دور دست استفاده نموده و به فعالیت پرداختند. بعضی از جریان‌ها با پشتیبانی و حمایت مافیای قاچاق مواد مخدر، تولید و کشت تریاک را تشویق و ترویج کردند. به این دلیل، امروز کشور ما به بزرگ‌ترین تولیدکنندهٔ مواد مخدر در جهان تبدیل شده است.

تولید مواد مخدر در افغانستان توسط مافیای بین‌المللی پشتیبانی می‌شود و آن‌ها محصولاتی را که در افغانستان به دست می‌آورند، به کشورهای اروپایی

و امریکایی قاچاق می‌کنند. مواد مخدر به موادی گفته می‌شود که مصرف آن شعور انسان را دچار اختلال می‌سازد. تریاک یکی از خطرناک‌ترین مواد مخدر است که از آن مواد خطرناک‌تر دیگری چون هرویین ساخته می‌شود. کشت و قاچاق مواد مخدر مشکلات فراوانی را برای دولت و ملت ما به وجود آورده که بعضی از آن‌ها قرار ذیل است:

مانع‌شدن از کشت محصولات مفید

اولین ضرر کشت تریاک این است که دهقانان ما با کشت تریاک، از کشت محصولات مفید و مورد ضرورت جامعه باز می‌مانند. محصولات مفید زیادی وجود دارد که دهقانان می‌توانند با کشت آن‌ها هم مفاد خوبی به دست آورند و هم به جامعه و مردم خود خدمت نمایند. چرا به‌جای گندم، جو، لوبیا، پنبه و امثال آن‌ها، زمین، سرمایه و نیروی کار خود را به کشت محصولی اختصاص دهیم که زنده‌گی انسان‌های دیگر را با خطر مواجه می‌سازد؟

اعتیاد: وقتی تریاک و سایر مواد مخدر در کشور کشت و تولید شود و با قیمت ارزان و به‌آسانی در اختیار مردم قرار گیرد، نوجوانان و جوانان به مصرف آن روی آورده و معتاد خواهند شد. اعتیاد به این مواد انسان را مریض نموده و او را از کار و فعالیت مفید باز می‌دارد و به انحرافات می‌کشاند. زمانی که تعداد معتادان در کشور افزایش یابد، مشکلات زیادی برای خانواده‌ها، دولت و مردم پدید خواهد آمد.

تشدید فساد اداری

از آن جای که قاچاق مواد مخدر ممنوع است، قاچاقچیان سعی می‌کنند که با

خریدن بعضی از مسؤولان دولتی (به خصوص اداره پولیس و محاکم) فعالیت‌های خود را آسان و ممکن سازند. آن‌ها گاهی موفق می‌شوند که بعضی از مسؤولان بلندپایۀ دولتی را با خود هم نوا ساخته و از نفوذ آن‌ها استفاده نمایند.

در این صورت است که فساد اداری گسترده و عمیق می‌شود و تلاش‌ها برای کاهش و از بین بردن آن همواره با شکست مواجه می‌شود، زیرا از داخل دولت افراد پرنفوذی از رشد و گسترش فساد حمایت می‌کنند.

##ناامنی و خشونت

زمانی که دولت سعی می‌کند که از قاچاق مواد مخدر جلوگیری به عمل آورد، قاچاق‌بران با استفاده از همۀ امکانات تلاش می‌کنند در مقابل تدابیر دولت ایستاده‌گی نموده و به فعالیت خود ادامه دهند.

یکی از راه‌های ایجاد موانع در راه توسعه وپیشرفت کشور، تشدید فساد اداری است که پیش از این توضیح داده شد. راه دیگر، ایجاد ناامنی و استفاده از خشونت است. با توجه به درآمد زیادی که آن‌ها دارند، با پیشرفته‌ترین سلاح‌های روز مجهزند و در صورتی که شرایط ایجاب نماید، از آن‌ها علیه نیروهای دولتی و مردم استفاده می‌نمایند. بدین ترتیب، مواد مخدر ارتباط بسیار نزدیکی با ناامنی و دهشت افکنی دارد.



مرور بر درس

- ....
- ....
- ....
- ....
- ....



سؤالات درس

۱- مواد مخدر چیست؟

۲- ضررهای مواد مخدر را بیان دارید.

۳- با کشت تریاک دهقانان ما از زرع کشت کدام محصولات زراعتی محروم می‌گردند؟

٤- درمورد ناامنی و خشونت چند سطر تحریر دارید؟

٥- اعتیاد چیست؟ در زمینه معلومات دهید؟



کارخانه‌گی

پیشنهادهای خود را برای از بین بردن مواد مخدر در چند سطر بنویسید.

مشکلات اجتماعی ما: نا امنی، اختلافات سیاسی و اجتماعی

مباحثه کنید

سؤالات ذیل را با دقت بخوانید و جواب دهید:

۱- مشکلاتی را که مردم ما به خاطر ناامنی تحمل می‌کنند، نام بگیرید؛

۲- چه عواملی باعث ناامنی می‌شوند؟

۳- برای آن‌که جامعه‌یی با امن داشته باشیم، باید چه کارهایی را انجام دهیم؟



ما در جامعه به فعالیت‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ضرورت داریم. این فعالیت‌ها در صورتی امکان‌پذیر است که امنیت کافی وجود داشته باشد، و اگر امنیت کافی برای کار و فعالیت وجود نداشته باشد، افراد، سازمان‌ها و نهادها از کار و فعالیت عادی باز می‌مانند.

قبل از هر چیز لازم است که مفهوم امنیت را توضیح دهیم. امنیت به وضعیتی در جامعه گفته می‌شود که مردم احساس آرامش و اطمینان خاطر کنند و از هیچ‌کس یا سازمانی تهدید نشوند؛ به طور مثال: اگر کسی شغلی دارد و هیچ چیزی کار او را تهدید نمی‌کند، او امنیت کاری دارد؛ یا اگر مردم بدون احساس ترس و تهدید به کار و زنده‌گی خود می‌پردازند و دربارۀ جان و مال خود از کسی نمی‌ترسند، آن‌ها امنیت جانی و مالی دارند. پس معلوم می‌شود که امنیت انواعی دارد که مهمترین آن‌ها عبارت‌انداز: امنیت جانی، روانی، اقتصادی، سیاسی واجتماعی.

در یک تقسیمات عمومی می‌توان گفت که امنیت به دو نوع روانی و فزیکی تقسیم‌می‌شود. امنیت روانی زمانی حاصل می‌شود که امنیت کامل وجود داشته

باشد و امنیت فزیکی کم‌ترین حد امنیت است. اگر امنیت فزیکی تهدید شود جان مردم به خطر می‌افتد و در این صورت امنیت روانی نیز وجود نخواهد داشت.

عوامل ناامنی

ناامنی زمانی رخ می‌دهد که قواعد اجتماعی و قوانین رسمی‌به دلایلی پشتوانۀ اخلاقی و مردمی‌خود را از دست داده باشد و عده‌یی از این فرصت سوء استفاده نموده و مال و جان مردم را هدف قرار دهند. ناامنی می‌تواند عوامل متعدد و گوناگونی داشته باشد.

از مهم‌ترین عوامل ناامنی می‌توان عوامل ذیل را نام برد: جنگ (داخلی یا خارجی)، دهشت افکنی، قاچاق مواد مخدر، سرقت‌های مسلحانه و پلان شده، اختلافات سیاسی، قومی‌و ایدیولوژیکی و فرکسیون بازی. فعلاً مهم‌ترین عامل ناامنی در کشور ما دهشت افکنی است. در این درس اندکی دربارۀ دهشت افکنی بحث می‌کنیم.

دهشت‌افکنی

هر گونه عمل سازمان یافته‌یی که باعث وحشت، ترس و ناآرامی‌مردم گردد و اهداف سیاسی را دنبال کند، **دهشت‌افکنی** نامیده می‌شود.

بنابراین تعریف، تمام فعالیت‌های نظامی‌و تبلیغات گروه‌های که می‌خواهند از این طریق بر دولت فشار وارد نموده و به اهداف سیاسی خود برسند، دهشت افکنی نامیده می‌شود.

دهشت‌افکنی و ناامنی پیامدهای بسیار بدی برای کشور و ملت ما دارد که بعضی از آن‌ها از این قرار است:

- **کشتار مردم:** دهشت افکنان برای رسیدن به اهداف سیاسی خود حاضراند که مردم بی‌گناه را به قتل برسانند.
- **تخریب و ویرانی کشور:** ناامنی باعث می‌شود که مردم و مؤسسات مختلف دولتی و خصوصی به سقوط مواجه شوند؛ علاوه براین، عملیات دهشت‌افکنی همان‌گونه که جان مردم را تهدید می‌کند به اموال و ساختمان‌های خصوصی و دولتی نیز ضرر وارد می‌کند و هر روز به جای آنکه کشور آباد شود، ویران می‌شود.

• **ضایع شدن وقت**: وقت برای انسان بسیار مهم است و نباید آن را ضایع کرد. امروزه کشورها در زمان کوتاه به پیشرفت‌های بزرگی دست می‌یابند، در حالی که مردم ما به دلیل ناامنی و فعالیت‌های خراب کارانه دهشت‌افکنان علاوه بر نابودی ثروت‌های موجود خود، سال‌ها وقت خود را بدون هیچ‌گونه پیشرفتی از دست می‌دهند. اکنون وظیفه دولت و ملت است که با تمام توان تلاش کنند. امنیت کافی را به خاطر کار و فعالیت تأمین نمایند.



مرور بر درس

•..

•..

•..

•..

•..



سؤالات درس

۱- امنیت در کار کدام معنا را افاده می‌کند؟

۲- دهشت‌افکنی چیست؟

۳- عوامل ناامنی‌ها در کشور ما چیست؟ بیان دارید.

٤- دهشت‌افکنی چه نتایج برای کشور ما دارد؟



کارخانه‌گی

مشکلاتی را که مردم ما به خاطر ناامنی تحمل می‌کنند، نام ببرید.در این باره چند سطر بنویسید و در صنف بخوانید.

مشکلات اجتماعی ما: ماین‌ها و مواد منفجر ناشده

فکر کنید و جواب دهید

در کشور ما سال‌ها جهاد وبعد جنگ وجود داشت. هر گروهی برای محافظت ا ز نیروهای خود اطراف پایگاه‌های خود را ماین کاشتند. اکنون بعد از چندین سال هنوز تعداد زیادی از این مواد به صورت منفجر ناشده باقی مانده و جان مردم را تهدید می‌کند. به سؤالات زیر جواب دهید:



۱-آیا شما تا حال ماین یا سایر مواد منفجره را دیده‌اید؟
۲-اگر احیاناً با ماین مواجه شوید چه کار می‌کنید؟
۳-برای جلوگیری از خطر ماین‌ها باید چه کنیم؟

کشورهایی که جنگ را پشت سر می‌گذارند، تا سال‌ها پس از جنگ نیز مشکلات ناشی از جنگ را تحمل می‌کنند. یکی از مهمترین مشکلات جنگ‌های امروزی ماین‌ها و مواد منفجرۀ باقی‌مانده از جنگ است که هر روز ممکن است جان ده‌ها و صدها انسان را بگیرد. در کشور ما میلیون‌ها ماین منفجرناشده از دوران جهاد وبعد از جنگ باقی‌مانده و سالانه تعداد زیادی از هموطنان ما جان خود را در اثر برخورد با ماین‌ها از دست می‌دهند. در طی این سال‌ها فعالیت‌های زیادی جهت جمع‌آوری ماین‌ها و سایر مواد انفجاری منفجرناشده انجام شده است. باتاسف تعداد زیادی از هموطنان ما در این راه جان خود را از دست داده‌اند. اما علاوه

بر همه این تلاش‌ها، هنوز تعداد زیادی از این مواد جمع‌آوری نشده و جان مردم را به‌خصوص در مناطق دوردست کشور، تهدید می‌کند.

اکنون باید چه کنیم که از خطرات ماین‌ها محفوظ بمانیم؟ کارهای زیادی باید در این راه صورت گیرد که مهم‌ترین آن‌ها قرار زیر است:

• یکی از کارهای اساسی این است که دولت باید تلاش کند تا هر چه زودتر ماین‌ها و سایر مواد انفجاری باقی‌مانده از دوران جنگ را جمع‌آوری نمایند و مردم را از تهدیدهای احتمالی آن حفظ کند. خوش‌بختانه، مؤسسات ماین‌پاکی چندین سال است که با جدیت تلاش می‌کنند تا ماین‌ها را پاک کنند و در این کار تاحد زیادی هم موفق بوده‌اند؛ ولی با وجود این هنوز ماین‌های زیادی باقی مانده که ضرورت به پاک‌کردن دارد.

• کار مهم دیگر، آگاهی مردم از انواع ماین‌ها و آشنایی با چگونه‌گی برخورد با آن‌ها است. کسانی که در مناطق آلوده با مواد منفجرناشده سکونت دارند، باید انواع ماین‌ها را بشناسند، خطرات ناشی از آن‌ها را بدانند و طرق برخورد با آن‌ها را یادبگیرند تا بتوانند از خود در برابر آن‌ها محافظت نمایند.

مؤسسه ماین‌پاکی سازمان ملل که برای جمع‌آوری ماین‌های باقیمانده از دوران جنگ کار می‌کند، در این زمینه توصیه‌هایی را ارائه کرده است که توجه به آن‌ها برای همه ارزشمند است:

بحث نمایید

مهمات منفجر ناشده چیست؟

به پارچه ناشناختهٔ فلزی پلاستیکی یا چوبی دست نزنید، ممکن است مهمات منفجر ناشدهٔ یا نوعی از ماین باشد. مواد منفجرهٔ که انفجار نکرده باشند، به نام مهمات منفجر ناشده یاد می‌شود. مهمات منفجرناشده شامل راکت، نارنجک، بمب‌ها و غیره می‌باشد. مهمات منفجر ناشده از فلزات، چوب، پلاستیک ساخته شده است و مطابق آب و هوا رنگ آن‌ها تغییر می‌کند. مهماتی که از فلزات ساخته اند، به اثر تغییرات اقلیمی‌زنگ

می‌زنند و شناخت آن‌ها بسیار مشکل می‌شود؛ بنابراین در ساحاتی که آن‌ها را نمی‌شناسیم به بزرگان محل و یا دفتر ماین پاکی احوال بدهیم تا آن‌ها را از بین ببرند. مهمات منفجر ناشده بیشتر در روی زمین قرار دارند. و جلوگیری از خطرات آن‌ها آسانتر است. در حالی‌که ماین‌ها اکثراً در زیر زمین قرار دارند جلوگیری از آن‌ها مشکلتر است. اما مهمات منفجرناشده می‌توانند بیشتر از ماین‌ها باعث تلفات یا زخمی‌شدن انسانها و حیوانات شوند. به اساس مقوله **حب الوطن من الایمان** بر هر فرد کشور ما حق دارد. وطن به منزلهٔ مادر است طوری که اولاد، مادر و پدر خود را دوست دارند باید افراد جامعه نیز وطن خود را دوست داشته باشند.

خطر ماین و مواد منفجرناشده کشور را تهدید می‌کند. بنابراین بر همه اتباع کشور لازم است که ماین را کشت نکنند و همچنان هرگاه مواد منفجرناشده را دیدند به آن دست نزنند بلکه: به مقام مسؤول خبر دهند به این ترتیب وظیفهٔ ایمانی و وطنی را ادا نمایند.



مروری بر درس

- ....
- ....
- ....
- ....



سؤالات درس

۱- مهمات منفجر ناشده چیست؟
۲-چرا ماین‌های کشت شده و مهمات منفجر ناشده روی زمین باقی مانده است؟
۳- ماین‌ها و مهمات منفجرناشده چه خطراتی را در قبال دارد؟
٤- وقتی با ماین برخورد می‌نماییم چه کاری باید انجام دهیم؟
۵- چگونه می‌توانیم از خطرات مهمات منفجرناشده در امان باشیم؟



کارخانه گی

دربارهٔ این‌که چگونه می‌توانیم از خطرات مهمات منفجرناشده و ماین‌ها در امان باشیم چند سطر تحریر نموده و آن را در صنف بخوانید.

خلاصۀ فصل پنجم

• انسان‌ها مدت ها بر روی زمین زنده‌گی کردند ولی خواندن و نوشتن را نمی‌دانستند. در آن زمان تجارب نسل‌های گذشته به صورت عملی و شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردید.

• فقر عبارت است از نداشتن ضرورت‌های اولیه که انسان به آن‌ها نیاز دارد. فقر یکی از مصیبت‌هایی است که در طول تاریخ، بشر را رنج داده و می‌دهد.

• جامعه یی به رفاه و ثروت دست پیدا می‌کند که هر فردی بر اساس شایسته‌گی و توانایی‌های خود از امکانات و منابع جامعه مستفید شوند.

• با وجود پیشرفت‌های زیادی که بشر به دست آورده، کمبود مسکن هنوز یکی از مهمترین مشکلات بشر به شمار می‌رود.

• مرض همیشه یکی از مهم‌ترین دشمنان بشر بوده است، هر کدام از ما در طول عمر خود بارها به امراض ساده و دشوار مبتلا می‌شویم و سرانجام توسط مرض جان خود را از دست می‌دهیم.

• نخستین شرط صحت انسان این است که خوراک و غذای کامل متوازن و صحی داشته باشد، خوراک انسان باید صحی باشد.

• ما در جامعه به فعالیت‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اشتغال داریم. این فعالیت‌ها در صورتی امکان پذیر است که امنیت کافی وجود داشته باشد.